

# مردان لعنت شده!

مردانی که از جانب الله تعالی و رسول  
الله ﷺ مورد نفرین قرار گرفته اند

گردآورنده: ابوشاکر مسلم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



عنوان کتاب: مردان لعنت شده!

موضوع: مردانی که الله تعالی و رسول الله صلی الله علیه وسلم

آنان را نفرین نموده است

أثر: أبوشاکرمسلم

نوبت انتشار: چهارم

سال انتشار: ۱۴۰۰

منبع: <https://t.me/QuraanWasonnatt>

این کتاب، از کتابخانه موحدین در تلگرام دانلود شده است

چاپ و نشر این کتاب بشرطی که در آن تغییری آورده نشود، برای هر مسلمان آزاد است

۸/..... مقدمه

۱۰/..... تعریف لعنت

۱۱/..... چطور میتوانیم گناه نکنیم و افراد صالح جامعه باشیم؟

۱۵/..... بعضی از اموری که اعمال انسان را بطور کامل محو و نابود میسازد.....

۱۶/..... چرا پیامبر اسلام برخی از اعمال را حرام دانسته است؟.....

۱۷/..... احکام و مسائل لعنت فرستادن.....

### مردان لعنت شده!

۲۴/..... مردی که اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم را دشنام دهد.....

۲۶/..... مردی که موسیقی میخواند.....

۲۷/..... مردی که شراب میخورد و شراب می فروشد.....

۲۹/..... مردی که وقت خود را در سوال های ناحق و عبث، سپری می کند.....

۳۰/..... مردی که طرف مردم چاقو دراز میکند.....

۳۱/..... استفاده از نسوار (ودخانیات دیگر).....

۳۵/..... مردی که زمانه را ناسزا گوید.....

مردی که در راه عام (محل عبور و مرور مردم) وزیر درختان میوه، به قضای حاجت می نشیند.....

۳۵/.....

۳۶/..... برخی آداب قضای حاجت.....

۳۸/..... مردانی که خود را به زنان مشابه میسازند.....

## مردان لعنت شده!..... ۵

- ۴۰/..... مردی که خود را مشابه به کفار میسازد.....
- ۴۱/..... آیا بستن نیکتایی شامل مشابحت با کفار است؟.....
- ۴۳/..... مردی که با همسرش از راه غیر مشروع (محل مدفوع) آمیزش کند.....
- ۴۴/..... آیا با رضایت زن، آمیزش از عقب ایرادی دارد؟.....
- ۴۵/..... مردی که حیوانات را مثله میکند (گوش و دم شان راقطع میکند).....
- ۴۶/..... آداب ذبح حیوانات.....
- ۴۷/..... مردی که با حیوانات عمل شهوانی را انجام میدهد.....
- ۵۱/..... مردی که میان خانواده ها، جدایی بیفگند.....
- ۵۲/..... مردی که امام نماز است ولی مردم از وی ناراض هستند.....
- ۵۳/..... مردی که اذان را بشنود ولی به نماز حاضر نشود.....
- ۵۵/..... مردی که از بالای گردن های مردم در مجالس بگذرد.....
- ۵۵/..... مردی که بر ناپینا تمسخر میکند.....
- ۵۶/..... مردی که پدر و مادر خود را دشنام میدهد.....
- ۶۱/..... مردی که از پدر خود انکار کند و یا پدر دیگری را انتخاب می نماید.....
- ۶۲/..... مردی که بدعت گذاری را پناه دهد.....
- ۶۲/..... اضرار بدعت در اسلام.....
- ۶۷/..... مردی که خالکوبی میکند.....
- ۶۸/..... چرا خالکوبی در اسلام تحریم شده است؟.....
- ۶۹/..... مردی که دزدی میکند.....

## مردان لعنت شده!..... ۶

- ۷۱/.....مردی که سود میخورد.
- ۷۲/.....راه های که اسلام برای رها شدن از ربا و سود پیشنهاد میکند.
- ۷۳/.....مردی که بخاطر ازا داری لباس سیاه میپوشد.
- ۷۴/.....مردانی که طلا میپوشند.
- ۷۵/.....حکمت حرمت طلا برای مردان.
- ۷۷/.....مردی که ابریشم می پوشد.
- ۷۸/.....مردی که نزد کاهنان، فالبینان و ساحران میرود.
- ۷۸/.....مردی که تصویر می گیرد و تصویر می سازد.
- ۸۲/.....مردی که ابروهایش را باریک میکند.
- ۸۲/.....مردی که ریش خود را میتراشد.
- ۸۴/.....مردی که مسلمان را ناحق به قتل میرساند.
- ۸۵/.....کسی بدنبال شهوت رانی، زنانی را بگیرد و سپس آنان را طلاق دهد.
- مردی که درحرم کج روی کند، و همچنان مردی که طریقه های جاهلیت را انتخاب نماید.
- ۸۶/.....
- ۸۷/.....مردی که نکاح حلاله را انجام میدهد.
- ۸۷/.....مردی که شغار(نکاح بدلک) میکند.
- ۹۳/.....مردی که برای خود دعای هلاکت میکند وروی خود را میخراشد.
- ۹۴/.....مردی که رشوت می خورد و رشوت می دهد.
- ۹۵/.....مردی که ذبح لغیر الله میکند.

## مردان لعنت شده!..... ۷

- مردی که لواطت میکند..... ۹۷/
- مردی که مال عیبی (عیب دار) را بفروشد..... ۱۰۱/
- مردانی که قبور را گچ، چونه، سمنت و مزین و حتی آنرا از زمین بلند میسازند.. ۱۰۲/
- مردی که نزدیک قبور نماز میخواند..... ۱۰۳/
- مردی که طرف نامحرم می بیند..... ۱۰۵/
- مردی که حیوانات را بخاطر شوخی هدف قرار میدهد..... ۱۰۷/
- مردی که به دنیا علاقه بیشتری نشان می دهد..... ۱۰۸/
- اقوال ائمه اهل علم پیرامون قباحت دوستی دنیا..... ۱۰۹/
- مردی که لباس زنانه را به تن می کند..... ۱۱۱/
- مردی که در خرید و فروش، قبل از رسیدن به بازار معین، مردم را شکار..... ۱۱۲/
- مردی که مال و متاعی را نگاه می دارد(ذخیره می کند) تا آنکه قیمت شود و سپس آنرا بفروشد..... ۱۱۲/
- مردی که دیگران اذیت کند..... ۱۱۳/
- مردی که دیگران را به خنده می آورد..... ۱۱۴/
- مردی که مریض را لعنت میکند..... ۱۱۵/
- مردیکه علیه امت پیامبر صلی الله علیه وسلم سلاح بکشد و ظلم و فریب کاری کند..... ۱۱۶/
- مردی که در مدینه طیبه خراب کاری کند..... ۱۱۷/
- منابع..... ۱۱۸/

## مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ  
وَحَاطَةِ الْمُرْسَلِينَ سَيِّدِنَا مُحَمَّدِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى الْأَمِينِ،  
وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ، أَمَا بَعْدُ:

خطرناکتر از لعن و نفرین چیزی را سراغ نداریم، چون اگر کسی مورد نفرین الله تعالی و رسول الله صلی الله علیه و سلم قرار گیرد، بطور همیش از رحمت الله تعالی محروم می شود (مگر اینکه از آن عمل توبه نماید) و در آخرت مأیوس و سرگردان می گردد. پس این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است که باید اعمالی را که سبب ملعون شدن فرد می گردد، موشکافی و کنجکاوی نماییم.

الحمد لله در این کتاب اعمالی که سبب نفرین شدن می گردند، حسب توان خود گرد آوردم.

طرز جمع آوری احادیث در موضوع مربوطه اینگونه است:

- ۱- جمع احادیثی که به الفاظ: «لعن الله...» وارد شده است.
- ۲- جمع احادیثی که به الفاظ: «لعن رسول الله...» وارد شده است.
- ۳- جمع احادیثی که به الفاظ: «...ملعون من...».
- ۴- جمع احادیثی که از سیاق آن معلوم می شود که با انجام دادن آن شخص مورد نفرین قرار می گیرد.
- ۵- یکی از محدثین در فوائد حدیث نوشته باشند که این حدیث نه تنها سبب حرمت این عمل است، بلکه سبب نفرین الله تعالی نیز می گردد.



۶- و برخی از اعمال نامشروع را که عوارض جانبی هم دارد، شامل این کتاب نموده ام.

از پروردگار یکتا الله و خالق بشریت - سبحانه و تعالی - مسألت دارم؛ این کوشش ناچیز مرا در ترازوی حسنات و نیکی های این بنده ناچیز و سایر برادران عزیزی که در تصحیح و بازنگری آن همکاری نموده اند قرار دهد! از بارگاه رب العزت والجلال برای شما خواننده عزیز و دوستانی که در به ثمر رسیدن این کتاب نقشی داشته اند، و برای تمامی برادران و خواهران مسلمان طول عمر و سعادت در دو جهان استدعا دارم.

اللهم صلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين، والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

ابو شکر مسلم

رفاع سال: ۱۴۰۰

## تعریف لعنت

اگر چه در کتاب: "زنان لعنت شده!"، برای آن تعریفی کرده بودیم، لیکن در اینجا برای آن تعریف جامع و مانعی خواهیم کرد، بإذن الله:

لعن عبارت است از: «دعا نمودن بر اینکه شخص از رحمت الله تعالی دور شود». وعن أبي الدرداء رضي الله عنه قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا لَعَنَ شَيْئًا، صَعِدَتِ اللَّعْنَةُ إِلَى السَّمَاءِ، فَتُعَلَّقُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ دُونَهَا، ثُمَّ تَهْبِطُ إِلَى الْأَرْضِ، فَتُعَلَّقُ أَبْوَابُهَا دُونَهَا، ثُمَّ تَأْخُذُ يَمِينًا وَشِمَالًا، فَإِذَا لَمْ يَجِدْ مَسَاغًا رَجَعَتْ إِلَى الَّذِي لَعِنَ، فَإِنْ كَانَ أَهْلًا لِذَلِكَ، وَإِلَّا رَجَعَتْ إِلَى قَائِلِهَا»<sup>(۱)</sup>.

یعنی: «از ابو درداء رضي الله عنه روایت است که: رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: هرگاه بنده چیزی را لعنت کند، لعنت به آسمان بالا می‌گردد و دروازه‌های آسمان به روی آن بسته می‌شود، سپس به زمین فرود آمده و دروازه‌های زمین به روی آن بسته می‌شود، باز به راست و چپ می‌رود و اگر راهی نیافت به کسی که لعنت شده باز می‌گردد و اگر وی اهل آن بود خوب، ورنه به گوینده اش باز می‌گردد».

اهل علم گفته‌اند: لعنت در اصل به معنی راندن است، به معنی دور شدن یا دور کردن بنده از رحمت الله یا قرار گرفتن در معرض عذاب الهی است. و ضد آن سلام و صلاة است که به معانی درود و نیایش می‌باشند.

<sup>۱</sup> - رواه أبي دواد.

مردان لعنت شده!..... ۱۱

لعن انسان‌ها به معنای تقاضای قطع رحمت از درگاه الله برای طرف مقابل است. اما لعن به معنای محروم شدن از رحمت، لطف و برکات الله در دنیا و آخرت است.

## **چطور میتوانیم گناه نکنیم و افراد صالح جامعه باشیم؟**

ابن قیم رحمه الله می‌گوید: از جمله عقوبت‌های گناه از بین رفتن برکت عمر، برکت روزی، برکت علم، برکت عمل و برکت عبادت است<sup>(۲)</sup>.

یکی از علما می‌گوید: گرفتار گناهی شده‌ای و نمی‌توانی از آن رهایی یابی؟ این راهکار را از ابوسلیمان دارانی بشنو:

«کسی که صادقانه خواهان ترک شهوت [حرام] باشد، الله آن را از قلبش خارج خواهد کرد».

یکی از علما می‌گوید: شبی سفیان ثوری رحمه الله تا صبح گریست.

وقتی صبح شد از او پرسیدند: آیا همه ی این گریه‌ها از ترسگناهان بود؟

سفیان رحمه الله خشتی از زمین برداشت و گفت: گناهان از این سست‌ترند، اما من از ترس خاتمه ام می‌گیرم. اللهم احسن خواتم.

شیخ عبدالعزیز طریفی می‌گوید: بیشترین عامل هلاکت صالحان، مغرور شدن به طاعات است و بیشترین عامل هلاک شدن گناهکاران، کوچک شمردن گناهان.

هر که واقعا الله را بشناسد نه طاعات را بزرگ می‌شمارد و نه گناهان را کوچک می‌بیند.

<sup>۲</sup> - (الداء و الدواء ۱۹۹).

و همچنان شیخ عبدالعزیز طریفی می گوید: وقتی گناهان بسیار شود قلب سنگین شده و از سرزندگی و نشاط برای عبادت باز می ماند؛ زیرا گناه همانند باری گران بر قلب سنگینی می کند همانطور که بار سنگین بر بدن اثر می گذارد و آنکه بارش گران است حرکتش کند می شود.

یکی از علما می گوید: سیاهی قلب ها از زیادی گناهان است و زیادی گناهان از فراموشی مرگ.

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ (سوره انفال آیه ۳۳).

الله آنها را مجازات و عذابشان نخواهد کرد؛ و درحالی که استغفار می کنند. امام ابن عثیمین رحمه الله می گوید: (در جنگ احد) مسلمین بخاطر یک گناه و یک معصیت شکست خوردند، پس چگونه ما امروز نصرت و یاری را از الله می خواهیم حال آنکه گناهان ما بسیار است<sup>(۳)</sup>.

**اما میخواهی از گناه پاک شوی؟!؛**

۱- از دوستان بد دوری کن و با آنها رفت آمد نکن، زیرا آنها از مار نیز بد تر هستند و بعنوان مثال اگر از یک شخص سیگار کش و یا معتاد سؤال کنی که چطور به این بلا گرفتار شدی حتما میگوید که توسط فلان دوست، و شاعر میگوید:

تا توانی میگریز از یار بد

یار بد بدتر بود از مار بد

<sup>۳</sup> - (القول المفید ۱/۲۸۹).

مار بد تنها تو را بر جان زند

یار بد بر مال و جان و بر ایمان زند

عبدالله بن مسلم مروزی میگوید:

با ابن سیرین رحمه الله هم نشین بودم (در جلسات علمی او رفت و آمد داشتم) مدتی او را ترک کردم و با اباضیه (گروهی از خوارج) همنشین شدم. شبی در خواب دیدم، همراه با گروهی هستم که جنازه‌ی رسول الله صلی الله علیه و سلم را حمل میکنند که به خاک بسپارند.

نزد ابن سیرین آمدم و خواب را برایش تعریف کردم، او گفت:

چرا با گروهی میگردی که میخواهند آنچه را که رسول الله صلی الله علیه و سلم آورده است دفن کنند<sup>(۴)</sup>.

سه چیز را الله تعالی در قرآن (نیکو و زیبا) گفته است:

۱- صبر زیبا و نیکوست...

۲- جدایی و دوری از دوستان بد (و ناصالح) زیبا و نیکوست...

۳- گذشت و عفو زیبا و نیکوست...

پس صبر نما بدون شکایت و آله و ناله، و از دوستان بد دوری کن بدون رنجش و اذیت، و از مردم گذشت کن بدون سرزنش.

---

<sup>۴</sup> - سیر أعلام النبلاء امام ذهبي ج ۴ ص ۶۱۷.

## مردان لعنت شده!..... ۱۴

۲- از خلوت و بیکاری پرهیز زیرا در لحظات خلوت و بیکاری (مخصوصاً در کنار تلویزیون و انترنت) شیطان شخص را برای انجام گناه وسوسه میکند تا اینکه پله پله او را به گناه های بزرگتر مانند زنا میکشاند.

۳- از خلوت کردن با زنان بیگانه پرهیز کن، زیرا همانطور که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است: هیچ مرد و زن (نا محرم) خلوت نمیکنند مگر اینکه شیطان شخص سوم آنها خواهد بود.

۴- توبه صادقانه را انجام دهید.

۵- اعمال صالح را بطور صحیح انجام دهید و این مسئله خیلی مهم هست زیرا بعضی مردم نمیتوانند به الله برگردند و علتش هم اینست که بعلت جهل اعمال صالحشان طبق قرآن و سنت نیست پس این سبب کاهش ایمان او میشود بدون اینکه به آن مسئله پی ببرد.

۶- اعمال صالح خود و اذکار روزانه را افزایش دهید.

۷- همسر نیکوکار یکی از بهترین راه های علاج هست پس اگر توانستید ازدواج کنید درنگ نکنید .

۸- همیشه داستانهای سلف صالح را مطالعه کنید.

۹- در دروس علما و صالحان اشتراک ورزید.

۱۰- از پله های شیطانی با حذر باشید، به این معنی که اگر دست از فیلمهای مبتذل تلویزیون و انترنت کشیدید شیطان شما را به اخبار ورزشی، فیلمهای مستند، راز بقا وغیره وسوسه میکند تا معلومات تان افزایش یابد ولی به محض

مردان لعنت شده!..... ۱۵

نزدیکی به این آلات و ابزار کم کم شخص را به فیلمهای مبتذل میکشاند و این یکی از مکرهای پلید شیطان است که کسانی که از این اعمال دست کشیده اند را به این وسیله دوباره به سر جای خودشان بکشاند. امید است که الله به لطف و رحمت بیکران خودش همه ما را از شر پلیدی ها و معاصی نجات دهد.

## **بعضی از اموری که اعمال انسان را بطور کامل معیوب و نابود میسازد**

بطور خلاصه، بر طبق برخی آیات قرآن و روایات صحیح پیامبر صلی الله علیه و سلم، مبطلات الاعمال و یا چیزهایی که سبب از بین رفتن اجر و پاداش میشوند عبارتند از:

- ۱- کفر و شرک
- ۲- نفاق
- ۳- مرتد شدن
- ۴- ریا
- ۵- منت گذاشتن و اذیت کردن بعلت صدقه و نیکی به دیگران
- ۶- ترک کردن نماز عصر
- ۷- بدعت در دین
- ۸- انتهاک محرمات در پنهانی
- ۹- آمدن نزد کاهنان و عرفان و تصدیق آنها
- ۱۰- عقوق والدین

- ۱۱- شراب خوردن
- ۱۲- قول زور و عمل به آن
- ۱۳- نگه داری سگ در خانه، مگر سگهای صید و شکار و گله
- ۱۴- امامت کردن کسانی که راضی نباشند
- ۱۵- هجر برادر مسلمان و قهر کردن با او بدون عذر شرعی
- ۱۶- برده ای که از مالکش گریخته باشد
- ۱۷- زنی که شوهرش از او خشمگین باشد (چنانچه مقصر زن باشد)
- ۱۸- انکار قضا و قدر
- ۱۹- رضایت به قتل مسلمان
- ۲۰- سرکشی از امر الله.

### **چرا پیامبر اسلام برخی از اعمال را حرام دانسته است؟**

شیخ محمد صالح بن العثیمین میگوید: هرگاه دیدی پیامبر صلی الله علیه وسلم از چیزی نهی فرمودند، بدان که انجام آن شر است و دیگر نپرسی که این نهی به معنای کراهت است، یا تحریم.

وقتیکه اسلام به ما میگوید: این عمل حلال است و این عمل حرام! و این عمل بدعت است و این عمل سبب لعنت میگردد و این عمل سبب کفر؛ درحقیقت ما را به این امر نمی کند و از آن نهی نمی نماید تا عرصه را بر ما تنگ کند... بلکه برای ما درب سلامت و نجات از آتش جهنم را می گشاید.



هیچ چیزی را شریعت حرام ننموده و هیچ چیزی را شریعت امر نفرموده مگر در آن حکمت های دنیوی و اخروی موجود بوده است و در اکثریت نهی رسول الله صلی الله علیه وسلم منفعت انسان در آخرت میباشد.

## احکام و مسائل لعنت فرستادن

### حکم لعنت فرستادن به مؤمن:

اهل علم گفته اند: لعنت فرستادن بر افرادی که مستحق آن نیستند از گناهان کبیره می باشد.

در حدیث صحیح از پیامبر صلی الله علیه وآله وَسَلَّمَ روایت است که فرمود: «لَعْنُ الْمُؤْمِنِ كَقَتْلِهِ»<sup>(۵)</sup>.

یعنی: «لعنت فرستادن بر مؤمن مانند کشتن اوست».

پیامبر صلی الله علیه وآله وَسَلَّمَ در حدیثی دیگر می فرماید: «سَبَابُ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ»<sup>(۶)</sup>.

یعنی: «ناسزا گفتن به مسلمان فسق و جنگ با او کفر است»

پیامبر صلی الله علیه وآله وَسَلَّمَ می فرماید: «لَا يَكُونُ اللَّعَانُونَ شُفَعَاءَ وَلَا شُهَدَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»<sup>(۷)</sup>.

یعنی: «نفرین کنندگان در روز قیامت شفاعت کننده و گواه قرار نمی گیرند».

<sup>۵</sup> - (بخاری ۶۱۰۵ ، و مسلم ۱۱۰).

<sup>۶</sup> - (بخاری ۴۸ ، مسلم ۶۴).

<sup>۷</sup> - (مسلم ۲۵۹۸).

بنابراین لعنت فرستادن مومنی به صورت تعیین (یعنی مستقیماً یک شخص خاص را لعنت فرستادن) به هیچ وجه جایز نیست.

و دلیل دیگر حرام بودن فرستادن لعنت به صورت معین حدیثی صحیح است:  
 عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ رَجُلًا عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ اسْمُهُ عَبْدَ اللَّهِ، وَكَانَ يُلقَبُ جَمَارًا، وَكَانَ يُضْحِكُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَكَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ جَلَدَهُ فِي الشَّرَابِ، فَأُتِيَ بِهِ يَوْمًا فَأَمَرَ بِهِ فَجُلِدَ، فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: اللَّهُمَّ الْعَنْهُ مَا أَكْثَرَ مَا يُؤْتَى بِهِ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَلْعَنُوهُ، فَوَاللَّهِ مَا عَلِمْتُ إِنَّهُ يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»<sup>(۸)</sup>.

ترجمه: عمر بن خطاب رضی الله عنه می گوید: در زمان نبی اکرم صلی الله علیه وسلم مردی بنام عبدالله که ملقب به جمار بود، وجود داشت. او رسول الله صلی الله علیه وسلم را می خنداند. ایشان او را بخاطر شراب خواری، حد زده بود. روزی، همین شخص را (بخاطر شراب خواری) نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آوردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم دستور داد تا او را حد بزنند. یکی از حاضران گفت: الهی! او را لعنت کن. چقدر شراب می خورد. نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «او را لعنت نکنید. به الله سوگند تا جایکه من می دانم او الله و رسولش را دوست دارد».

**نکته:** اما لعنت فرستادن بصورت عام (نه معین) به دسته ای از مسلمانان که مرتکب بعضی از گناهان شده اند که بخاطر آن مستحق لعنت شده اند رواست.

<sup>۸</sup> - (بخاری: ۶۷۸۰).

مثلاً پیامبر صلی الله علیه وسلم مردانی که خود را به شکل زنان درمی آورند لعنت کرده اند: «لَعَنَ الرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ» یعنی: «پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم مردانی را که خود را همانند زنان قرار می دهند لعنت کرده است»<sup>(۹)</sup>.

و یا پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم زنی را که عمل وصل موها را انجام می دهد و زنی را که از دیگران می خواهد این عمل را برایش انجام دهند و زنی که موهای صورت زنان را می گیرد و زنی که موهای صورتش گرفته می شود و زنی که خالکوبی می کند و آنکه خالکوبی می شود را لعنت کرده است<sup>(۱۰)</sup>.

و نیز از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم روایت است: «أَنَّهُ لَعَنَ الْوَأَشِمَاتِ وَالْمُسْتَوَشِمَاتِ، وَالْمَتَمِّصَاتِ، وَالْمُتَفَلِّجَاتِ لِلْحُسْنِ الْمُعَيَّرَاتِ لِخَلْقِ اللَّهِ وَقَالَ: مَا لِي لَا أَلْعَنُ مَنْ لَعَنَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ».

یعنی: «لعنت الله بر زنان خالکوب و زنانی که تقاضای خالکوبی می کنند و لعنت الله بر زنانی که موهای چهره و ابرو را دور می کنند...».

در اینصورت گفتن لفظ "لعنت بر کسانی که موی ابرویشان را برمی دارند" جایز است. ولی نبایستی بصورت مشخص به یک شخصی که موی ابرویش را کنده است لعنت فرستاد.

<sup>۹</sup> - بخاری (۵۸۸۵).

<sup>۱۰</sup> - بخاری (۴۸۸۴) و مسلم (۲۱۲۲-۲۱۲۵).

وعَنْ عِمْرَانَ بْنِ الْحُصَيْنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي بَعْضِ أَسْفَارِهِ، وَامْرَأَةٌ مِنَ الْأَنْصَارِ عَلَى نَاقَةٍ، فَضَجَّرَتْ فَلَعَنَتْهَا، فَسَمِعَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «تُخَذُوا مَا عَلَيْهَا وَدَعَوْهَا، فَإِنَّهَا مَلْعُونَةٌ» قَالَ عِمْرَانُ: فَكَأَنِّي أَرَاهَا الْآنَ تَمْشِي فِي النَّاسِ مَا يَعْزِضُ لَهَا أَحَدٌ<sup>(۱۱)</sup>.

یعنی: از عمران بن حصین رضی الله عنه روایت شده که گفت: در اثنا یکه رسول الله صلی الله علیه وسلم در سفری از سفرهایش بود و زنی از انصار بر شتری بود اذیت شده و او را لعنت کرد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را شنیده و فرمود: بار شتر را گرفته و آن زن را بگذارید، زیرا وی ملعون است. عمران رضی الله عنه گفت: گویی من آن زن را می بینم که در میان مردم می رود و هیچکس به وی التفات نمی کند. خلاصه اینکه: اگر کسی یکی از اعمالی را که سبب دوری از رحمت الله گردد انجام دهد، پس آن مورد لعنت الله و پیامبرش قرار خواهد گرفت.

### حکم لعنت فرستادن به کافران:

اهل علم گفته اند: چنانکه شخص کافر در حال حیات باشد، در اینصورت فرستادن لعنت بر وی جایز نیست. دلیل این امر مربوط است به شان نزول آیه ۱۲۸ آل عمران است که می فرماید: ﴿لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذَّبَهُمْ﴾ (آل عمران ۱۲۸).

یعنی: این کارها در اختیار تو نیست یا [الله] بر آنان می‌بخشاید یا عذابشان می‌کند.

ابن عمر رضی الله عنه در بیان سبب نزول این آیه کریمه می‌گوید: عَنِ ابْنِ عَمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا: أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرَّكُوعِ مِنَ الرَّكْعَةِ الْآخِرَةِ مِنَ الْفَجْرِ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ الْعَنْ فُلَانًا وَفُلَانًا وَفُلَانًا» بَعْدَ مَا يَقُولُ: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ». فَأَنْزَلَ اللَّهُ: «لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ»<sup>(۱۲)</sup>.

ترجمه: ابن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم هنگام بلند کردن سرش از رکوع رکعت دوم نماز فجر، بعد از گفتن سمع الله لمن حمده، ربنا لك الحمد (قنوت)، می‌فرمود: «الهی! فلانی، فلانی و فلانی را لعنت کن». آنگاه، الله این آیه را نازل فرمود: «لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ» یعنی: ای پیامبر! چیزی از کار (بندگان) در دست تو نیست. الله یا توبه آنان را می‌پذیرد و یا آنها را عذاب می‌دهد چرا که آنان ستمگراند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم مشرکان را نفرین کرده و در نفرین خود مردانی از آنان را به اسم یاد می‌کردند، همان بود که حق تعالی نازل فرمود: «اختیار این کار با تو نیست» یعنی: الله اختیارکارشان را دارد و هرچه بخواهد با آنان می‌کند؛ از نابود ساختن، شکست دادن و عذاب نمودن شان، یا بازگرداندن شان به سوی

رحمت و هدایت خود با تشریف ایشان به اسلام، چنان که می فرماید: «یا از آنان درگذرد، یا عذابشان کند» در دنیا و آخرت «چراکه ستمگار ارند» و مستحق این عذاب می باشند.

این آیه کریمه در بردارنده این اشاره است که: فرجام کار قبیله قریش ایمان خواهد بود. از روایات دیگر نیز بر می آید که رسول الله صلی الله علیه وسلم بعد از غزوه احد که در آن به مسلمانان آسیب سختی وارد شد و حمزه رضی الله عنه به شهادت رسید، مشرکان را در قنوت نماز صبح نفرین می کردند، اما بعد از نزول این آیه کریمه، دیگر آنان را در نماز نفرین نکردند.

**نوت:** البته لعن کردن کافری که بر کفرش مرده باشد بصورت معین جایز است زیرا می دانیم که کفار از رحمت الهی بدورند و بارها الله تعالی در قرآن آنها را نفرین و لعن کرده اند که در پایین بدان اشاره می شود.

### **حکم لعن فرستادن کفار بصورت عموم:**

الله تعالی می فرماید: «کسانی که کافر شدند و در حال کفر مردند، لعنت الله و فرشتگان بر آنان باد».

علما با استدلال به این آیه گفته اند: لعن گفتن بر کافر معینی جایز نیست زیرا حالش در هنگام درگذشتش معلوم نمی باشد که آیا قطعاً بر کفر مرده است یا خیر. ولی در تجویز لعن کفار به طور عام و کلی بدون تعیین فردی معین، میان علما هیچ خلافتی نیست. چنان که لعن گنهکاران به طور عام نیز اجماعاً جایز است. اما لعن یک گنهکار معین، به اتفاق جایز نیست، به دلیل روایتی که می گوید: «شراخواری

## مردان لعنت شده!..... ۲۳

را به جرم ارتکاب عمل خوردن شرب چندبار مکرر نزد رسول الله آوردند، در این اثنا برخی از حاضران گفتند: الله او را لعنت کند، چقدر زیاد شراب می نوشد! اما رسول الله فرمودند: علیه برادر مسلمانان یاور شیطان نباشید». این حدیث شریف در بخاری و مسلم روایت شده است. باید دانست که لعن کفار، جزایی بر کفرشان، زجر و توبیخی برایشان به سبب آن کفر و آشکار ساختن قباحت وزشتی کفرشان است. البته از ادب اسلام به دور است که رو در روی کسی بر اولعنت گفته شود زیرا این فحاشی است.

«و لعنت تمام مردم» بر آنان باد. این لعنت در روز قیامت است. اما در دنیا؛ فرستادن لعنت بر آنان از همه مردم ساخته نیست - و الله اعلم<sup>(۱۳)</sup>.



<sup>۱۳</sup> - (تفسیر انوار القرآن - تفسیر سوره بقره، و تفسیر ازهرالبیان از شیخ اکرام الدین بدخشانی).

## مردان لعنت شده!

### مردی که اصحاب پیامبر اسلام را دشنام دهد

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ سَبَّ أَصْحَابِي فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ»<sup>(۱۴)</sup>.

یعنی: از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: هر کس به اصحابم ناسزا گوید لعنت خدا و فرشتگان و همه ی مردم بر او باد.

حافظ با اسناد دادن حدیثش به عایشه ل روایت می کند که گفت: پیامبر ص فرمود: «لَا تَسُبُّوا أَصْحَابِي لَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَبَّ أَصْحَابِي». یازان مرا دشنام مدهید خداوند لعنت کند کسی را که به اصحاب من دشنام بدهد<sup>(۱۵)</sup>.

ابوبکر و عمر و عثمان و عائشه و معاویه را بگذار! اگر حتی به کوچک ترین اصحاب پیامبر (که صرف یکبار پیامبر صلی الله علیه وسلم را دیده باشد) توهین شود، شخص کافر بوده و خونش مباح می باشد.

« از بشر بن حارث روایت است که: " هرکس اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم را مورد سب و توهین قرار دهد کافر است هرچند که نماز بخواند و روزه بگیرد و گمان برد که جز مسلمانان است".

<sup>۱۴</sup> - [حدیث حسن/ معجم الطبرانی الکبیر رقم ۱۲۷۰۹ - سلسله صحیحہ رقم ۲۳۴۰].

<sup>۱۵</sup> - هیشمی این حدیث را در مجمع الزوائد (۱۰ / ۲۱) آورده است و رجال آن رجال صحیحی هستند.



## مردان لعنت شده!..... ۲۵

امام مالک رحمه الله می فرماید: "کسی که اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم را مورد توهین قرار می دهد نصیبی از اسلام ندارد."

امام اوزاعی رحمه الله می گوید: "هرکس ابوبکر صدیق رضی الله عنه را مورد توهین قرار دهد از دین خود برگشته و مرتد شده و خون وی حلال است"<sup>(۱۶)</sup>.

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله در مورد کسی که گمان می کند تمامی اصحاب پیامبر بجز چند نفر مرتد شده اند یا فاسق گشته اند، می گوید: "شکی در مورد کفر چنین کسی وجود ندارد، زیرا در حقیقت او آیات قرآن را تکذیب کرده که در مورد آنها در چندین موضع فرموده: رضی الله عنهم و آنها را مورد تمجید قرار داد"<sup>(۱۷)</sup>.

امام طحاوی حنفی می گوید: ما یاران پیامبر صلی الله علیه وسلم را دوست داریم اما در دوستی هیچ يك از آنان افراط نمی کنیم و از هیچ صحابه ای بزیار نیستیم و از هر کسی که نسبت به یاران پیامبر صغیر بغض داشته باشد یا آنان را به خیر ذکر نکند متنفریم، بجز با خیر آنان را یاد نمی کنیم، دوستی شان دین، ایمان و احسان است، بغض شان کفر، نفاق و طغیان است"<sup>(۱۸)</sup>.

---

<sup>۱۶</sup> - (الابانة الصغری ابن بطة صلی الله علیه وسلم ۱۶۲).

<sup>۱۷</sup> - (الصارم المسلول علی شاتم الرسول صلی الله علیه وسلم ۵۸۶).

<sup>۱۸</sup> - (العقيدة الطحاویة).

## مردی که موسیقی میخواند

بزار از راویان موثوق به روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «صوتان ملعونان فی الدنيا والآخرة: مزمار عند نعمة، وزنة عند مصیبة» «دو صدا و آواز، در دنیا و قیامت مورد نفرین هستند: آواز نی و مزمار بهنگام نعمت و آواز گریه بهنگام مصیبت»<sup>(۱۹)</sup>.

یعنی: «دو صدا نفرین شده اند در دنیا و آخرت: صدای آلت موسیقی هنگام نعمت و خوشی و صدای داد و بیداد هنگام مصیبت».

ابن قیم می گوید: در شهری که موسیقی ربا رائج شد؛ پس هلاکت آن شهر را اعلان کن.

شیخ الاسلام ابن تیمیه می گوید: از بزرگترین عامل تقویت اعمال شیطانی، گوش دادن به آوازه خوانی و آلات موسیقی است که از اعمال مشرکین است..

علامه ابن جوزی می گوید: بدان که گوش دادن به موسیقی حرام دو پیامد دارد:

۱: دل را از تفکر در عظمت الله تعالی و فرمانبرداری از او باز می دارد.

۲: دل را به تمام لذت های زودگذر حسی بویژه هم آغوشی متمایل می سازد و از

آنجا که لذت کامل هم آغوشی به وسیله زن های متنوع و متعدد حاصل می شود و از راه حلال نمی توان به آن رسید، فرد را تشویق و تحریک به زنا می کند. بنابراین

---

<sup>۱۹</sup> - صحیح الجامع (۳۸۰۱).

موسیقی حرام و زنا به هم وابسته‌اند، زیرا موسیقی، لذت روح و زنا، بزرگ‌ترین لذت نفس به شمار می‌رود<sup>(۲۰)</sup>.

### مودی که شراب میخورد و شراب می‌فروشد:

وعن أنس قال : لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم في الخمر عشرة : عاصرها ومعتصرها وشاربها وحاملها والمحمولة إليه وساقيتها وبائعها واكل ثمنها والمشتري لها والمشتري له<sup>(۲۱)</sup>.

یعنی: «پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در ارتباط به نوشیدن شراب ده نفر را (نوشنده شراب و فروشنده و خریدار و حمل کننده و ساقی و مصرف کننده و پول به دست آورنده از فروش آن را) لعنت کرده است.

وهمچنان رسول الله صلى الله عليه وسلم فرموده است: «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ شَرِبَ الْخُمْرَ».

یعنی: «الله فرد شراب خوار را لعنت کرده است».

در حدیث دیگر می‌آید که «هرکس شراب بخورد کلمه در زبانش در وقت وفات وی جاری نمیشود»<sup>(۲۲)</sup>.

و در اثر دیگری آمده که: «هرکس شراب دنیوی را بخورد از شراب اخروی محروم میگردد».

---

<sup>۲۰</sup> - تلبیس ابلیس امام ابن جوزی رحمه الله (ص: ۲۲۹).

<sup>۲۱</sup> - [رواه الترمذی وابن ماجه].

<sup>۲۲</sup> - (مشکاة).

شیخ سردار ولی ثاقب می گوید: از جمله کار های که انسان را دیوث می سازد خوردن شراب است.

شراب در امتهای قبل از جمله در تورات و انجیل حرام بود، اما به مرور زمان راهبان و کشیشان برای جلب رضایت مردم فاسق به دین! کتاب الله را تحریف کردند و حرام الله را برای مردم حلال کردند.

امام مسلم روایت می کند که: «در شب اسراء خطاب به رسول الله صلی الله علیه وسلم گفته شد: «أما أنک لو أخذت الخمر غوت أمتک».

یعنی: «همانا اگر شراب را انتخاب می کردی امت تو منحرف می شدند».

استاد سید سابق در کتاب "فقه السنة" می نویسد: «همانگونه که شرابخواری در اسلام حرام است در دین مسیح نیز حرام بوده است گروهی از مردم از رؤسای دین مسیح - از جمله مطران مسئول کرسی «اسیوط» و رئیس کلیسای «بلینا» و «قنا» در تاریخ ۱۶/۹/۱۹۲۲ م - در «وجه قبلی» در مصر درباره منع مسکرات در طی مصاحبه ای طلب فتوی نمودند. که آن دسته از علمای دین مسیح، پاسخ دادند که همه کتب آسمانی انسان را از مسکرات منع کرده اند و رئیس کلیسای ارتدکس روسیه با نص صریح کتاب مقدس بر تحریم مسکرات استدلال کرده است سپس گفت: بطور اجمال در هر کتاب آسمانی مسکرات حرام شده است خواه از آب انگور یا از مواد دیگر باشد مانند جو و خرما و عسل و سیب و غیره.

از جمله شواهدی که در عهد جدید کتاب مقدس یعنی انجیل آمده است، قول «بولس» است که در رساله اش به اهل «افسس» (۸/۵) می گوید: «با می و

خمیری که در آن خلاعت و بی بند و باری است، مستی نکنید و در «اکوه (۱۱) از مخالطت و آمیزش با مست نمی کرده و گفته است: مستان به ملکوت آسمانها نایل نمی شوند و آن را به ارث نمی برند (غلاهِ. ۲۱ «اکو ۱۰۰۹۰۶»».

## **مردی که وقت خود را در سوال های ناحق و عبث، سپری می کند**

پرسیدن سوالاتی همچون: عصای موسی از چه چوبی بود؟، سر آدم علیه السلام را چه کسی تراشید؟، نام مادر امام ابوحنیفه چیست؟، کشتی نوح از چه چیزی ساخته شد و سرانجامش چه شد؟ و...

انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «مردم به اندازه ای به سؤالات خود ادامه می دهند تا جایی که می گویند: این الله است که همه چیز را آفریده است. پس چه کسی الله را آفریده است؟» (در این صورت باید بگویند: به الله و رسولش ایمان دارم و به الله پناه بردم و جلوتر نرود)»<sup>(۲۳)</sup>.

مردی از ابن عمر رضی الله عنهما درباره مسئله ای سؤال کرد، ابن عمر سرش را پایین انداخت و جوابی نداد تا جایی که مردم گمان کردند که سؤال آن مرد را نشنیده است.

لذا او به ابن عمر گفت: الله متعال تو را قرین رحمت کند آیا سؤال را نشنیدی!؟

ابن عمر فرمود: بله شنیدم اما آیا شما بر این باورید که الله عزوجل از ما درباره سؤالاتی که از ما می‌پرسید سؤال نمی‌نماید؟!

پس الله متعال به تو رحم آورد بگذار تا در مورد سؤالت بیندیشیم، اگر جوابی داشتیم که به تو می‌دهیم وگرنه به تو خبر می‌دهیم که به آن علم نداریم<sup>(۲۴)</sup>.

و نیز ابن عمر رضی الله عنه می‌گوید: «لا تسألوا عما لم یکن فإنی سمعت عمر رضی الله عنه لعن السائل عما لم یکن»<sup>(۲۵)</sup>.

یعنی: «از چیزی که وجود ندارد سوال نکنید، چرا که من شنیدم عمر رضی الله عنه چنین کسی را لعن کرد».

شاه ولی الله دهلوی می‌گوید: صحابه از چنین سؤالاتی اجتناب می‌کردند، و آنان هنگام سوال پرسیدن، از حد و مرز شرعی دوری نمی‌جویدند، حتی هر سوالی را دوست داشتند اعرابی ای بپرسد، و آنان یاد بگیرند.

## مردی که طرف مردم چاقو دراز میکند

رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: «مَنْ أَشَارَ إِلَى أَحِيهِ بِحَدِيدَةٍ، فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَلْعَنُهُ، حَتَّى يَدَعَهَا»<sup>(۲۶)</sup>.

<sup>۲۴</sup> - [الطبقات از ابن سعد (۵۲۰۲)].

<sup>۲۵</sup> - [جامع العلوم والحکم ۱۰].

<sup>۲۶</sup> - [صحیح مسلم (۲۶۱۶)].

## مردان لعنت شده!..... ۳۱

یعنی: «کسی که با آهنی (شمشیر، چاقو، نیزه...) به سوی برادرش اشاره کند (او را بترساند) تا زمانی که از اینکار دست بردارد فرشتگان او را لعنت میکنند».

شیخ ابن عثیمین می گوید: کسیکه با موتر ویا وسائل دو چرخه مردم را میترساند در این حدیث شامل است (وملائکه نیز او را لعنت می نمایند).  
بعضی برادران را متوجه می شویم که برادر دیگر خود را با سلاح دست داشته خود (ولو مرمی داشته باشد یاخیر)، با چاقو وبالاخره حتی با موتر وموتر سایکیل می ترسانند واینها بدانند که شامل لعنت ملائکه هستند وازاین کار خود باید دست بردار شوند.

### استفاده از نسوار

میدانیم که بیشتر مردم نسوار میکشند، رسماً در شهرها و دوکان ها به خرید و فروش میرسد، عده ای نسوار میسازند و کارخانه های نسوار وجود دارد که نسوار تولید کرده و سپس آنرا به مناطق وکشور های مختلف صادر میکنند .بناء مختصراً حکم شرعی آنرا خدمت تان بیان میدارم.

#### ۱- تاریخچه استعمال نسوار:

تنباکو که از آن نسوار میسازند بته است که بار نخست در ایالات متحده امریکا کشف شده، بالاخره به نقاط مختلف جهان گسترش یافته و در سال ۱۰۱۲هجری به کشور های اسلامی سرایت نموده است که امروز مسلمانان از آن عاداتا استفاده میکنند.

## ۲- حکم استعمال و خرید و فروش آن:

استعمال نسوار، خرید و فروش آن در شریعت اسلامی ناروا و ناجایز است و علما، معاصر جهان اسلام آنرا حرام دانسته اند و بر حرمت آن بر نصوص ذیل استدلال میکنند:

الف - ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجِئِلٌ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ﴾ [الأعراف: ۱۵۷]

یعنی: «همانهای که از فرستاده (الله)، پیامبر «امی» پیروی می کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می یابند؛ آنها را به معروف دستور می دهد، و از منکر باز میدارد؛ اشیای پاکیزه را برای آنها حلال می شمرد، و ناپاکی ها را تحریم می کند».

وجه استدلال از آیت فوق این است که الله متعال چیز های پاکیزه برای مسلمانان روا و چیز های ناپاک، پلید و خبیث را بر مسلمانان حرام کرده است. اگر به نسوار دقت شود دیده میشود که از جمله چیز های پلید و خبیث و نجس به شمار میرود. بناء کشت و کار، خرید و فروش و استعمال آن ناروا و حرام است.

ب - ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا \* وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا﴾ [النساء: ۳۰-۲۹].



یعنی: «و خودکشی نکنید! الله نسبت به شما مهربان است. و هر کس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، بزودی او را در آتشی وارد خواهیم ساخت؛ و این کار برای الله آسان است».

وجه استدلال از آیت فوق این است که الله از خود کشی و ضرر رساندن به نفس نمی کرده است و هر که به نفس و بدن خود ضرر برساند الله او را عذاب خواهند کرد. پس اگر به نسوار متوجه شویم استعمال آن در حقیقت نفس کشی و ضرر رساندن به بدن است.

ج - ﴿وَلَا تُبَدِّرْ تَبْدِيرًا إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ ۖ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا﴾ (الإسراء: ۲۶).

یعنی: «و تبذیر مکن، چرا که تبذیرکنندگان، برادران شیاطی اند؛ و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود!».

وجه استدلال از آیت فوق این است که الله مسلمانان را از تبذیر منع فرموده و تبذیر کننده گان را برادران شیطان خوانده است. و میدانیم که تبذیر مصرف کردن مال و پول بر چیز های را میگویند که فایده دنیوی داشته باشد و نه فایده اخروی. پس اگر به نسوار نگاه کنیم دیده میشود که در آن فایده دنیوی است و نه فایده اخروی، بناء در حکم تبذیر می آید.

د - عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قَالَتْ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ كُلِّ مُسْكِرٍ وَمُفَقِّرٍ (۲۷).

یعنی: «از ام سلمه رضی الله عنها روایت است که رسول الله صل الله علیه وسلم از هر چیز مسکر و مفتر منع فرموده است».

وجه استدلال بر حرمت نسوار از حدیث فوق این است که پیامبر اسلام از هر چیز مسکر و مفتر منع فرموده است، با معنی مسکر آشنا هستیم، اما مفتر به آن چیزهای گفته میشود که جسم و عقل انسان را ضعیف میسازد. پس نسوار منشأ مفترات است که دماغ انسان را خشک و ضعیف میسازد.

### ۳- حکمت تحریم نسوار:

- الف - نسوار دهان انسان را بدبوی میسازد.
  - ب - نسوار دندان های انسان را زرد و بالآخره خراب میسازد.
  - ج - نسوار سیستم عصبی یا دماغی انسان را ضعیف میسازد.
  - د - نسوار پول را بیجا مصرف میکند.
  - ه - نسوار معده انسان را متضرر میسازد.
  - و - نسوار انسان را دچار سر گنگسی، گیجی و بی حوصلگی میسازد.
- هنگامیکه نسوار چنین اضرار را در پی دارد - از این جهت شریعت اسلام کشت و کار و خرید و فروش و استعمال آنرا اجازه نمیدهد.

### ۴- مبتلایان به نسوار:

- الف - بیشتر کسانی هستند که ناخوانده و بی سواد اند.
- ب - عده ای از سواد داران که از طفولیت در خانواده عادت گرفته اند.
- ج - بیشتر کسبه کاران مانند: دهاقین، گلکاران، نجاران، درپوران.

د - مردمان غریب و نادار.

ه - مردمان کوچه گرد، بیکار و بی روزگار.

## مردی که زمانه را ناسزا گوید

وعن أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: قَالَ اللَّهُ لَأُؤْذِيَنِي ابْنُ آدَمَ، يَسُبُّ الدَّهْرَ، وَأَنَا الدَّهْرُ، بِيَدِي الْأَمْرُ، أَقْلَبُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ<sup>(۲۸)</sup>.

یعنی: «ابو هریره میفرماید: که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: الله میفرماید: بنی آدم وقتی که به زمانه ناسزا میگوید مرا به خشم می آورد، روزگار هیچ کاری را نمیتواند انجام دهد من کارهایی را که به زمانه نسبت میدهند انجام میدهم تمام امور در دست من است، شب و روز را من دگرگون مینمالم».

اینطور افراد را در جامعه داریم که می گویند: عجب زمانه ای شده!!! و نیز می گویند: لعنت به این زمانه... حال آنکه زمانه بدست پروردگار است.

## مردی که در راه عام (محل عبور و مرور مردم) وزیر درختان میوه، به قضای حاجت می نشیند

رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: اتقوا اللاعنین، قالوا: اللاعنان یا رسول الله؟ قال: الذی يتخلى فى طريق الناس أو فى ظلهم<sup>(۲۹)</sup>.

<sup>۲۸</sup> - [صحیح البخاری].

<sup>۲۹</sup> - [صحیح مسلم].

یعنی: «از دو چیز که باعث لعنت میشوند بپرهیزید، گفتند: ای رسول الله آن دو کدام اند؟ فرمود: آن دو، راه مردم یا در سایه ای که می نشینند و قضای حاجت میکند».

متأسفانه در دهات و قریه جات ها این عمل را بعضی از برادران انجام میدهند لازم است در این باره پیرامون آداب قضای حاجت کمی تفصیل دهیم:

### برخی آداب قضای حاجت

- در مورد مسائلی که قبل از رفتن به توالت باید رعایت کرده شوند.
- ۱- جایی در خلوت و بدور از انظار مردم باید در نظر گرفته شود، در حدیث آمده است، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم هرگاه قصد قضای حاجت می کرد، چنان دور می رفت که از دید مردم پنهان می شد<sup>(۳۰)</sup>.
- ۲- با خود نوشته ای که در آن یاد الله، کلمات قرآن و الفاظ حدیث نوشته شده است، همراه داشته نباشد، زیرا در حدیث آمده است که: رسول اکرم صلی الله علیه وسلم انگشتی خود را که بر روی آن «محمد رسول الله» نقش شده بود، به هنگام رفتن به دستشویی بیرون می آورد<sup>(۳۱)</sup>.
- ۳- موقع وارد شدن به بیت الخلا این دعا را بخواند: «بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَبْثِ وَالْحَبَائِثِ» و با پای چپ وارد شود. در بخاری آمده است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم چنین کرده است.

<sup>۳۰</sup>- (ابوداود و ترمذی).

<sup>۳۱</sup>- (ترمذی، صححه).

۴- موقع نشستن، تا ننشسته لباسها را بلند نکند. هرگاه به زمین نزدیک شود، لباسها را بلند کند تا کشف عورت نشود، زیرا ستر عورت از نظر شرع لازم و ضروری است.

۵- برای قضای حاجت رو به قبله یا پشت به قبله نکند. زیرا رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: برای قضای حاجت رو به قبله یا پشت به قبله نکند. (متفق علیه).

۶- برای قضای حاجت، در زیر سایه درخت که مورد استفاده مردم است، محل عبور، نزدیک آب و زیر درخت‌های میوه‌دار ننشیند. زیرا رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «از سه چیز که مستلزم لعنت‌اند پرهیزید، از قضای حاجت در وسط راه، در سایه‌ای که مورد استفاده است، و نزدیک آب که محل ورود مردم و حیوانات است..» (۳۲).

۷- در موقع قضای حاجت حرف نزند. زیرا رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «إِذَا تَعَوَّطَ الرَّجُلَانِ فَلْيَتَوَارَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا عَنْ صَاحِبِهِ وَلَا يَتَحَدَّثَا. فَإِنَّ اللَّهَ يَمُكِّثُ عَلَيَّ ذَلِكَ» (۳۳).

یعنی: «هرگاه دو نفر برای قضای حاجت می‌روند، باید از یکدیگر پنهان شوند و با هم حرف نزنند، زیرا چنین عملی باعث خشم الله است.»

---

۳۲- (حاکم به سند صحیح). و در روایاتی دیگر، از قضای حاجت زیر درختان میوه‌دار، نهی شده است.

۳۳- (رواه احمد).

## مردانی که خود را به زنان مشابه میسازند

امام بخاری در صحیح خود از ابن عباس رضی الله عنهما روایت کرده که فرمود:  
 «لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم المتشبهين من الرجال بالنساء والمتشبهات من النساء بالرجال»<sup>(۳۴)</sup>.

یعنی: «رسول اکرم صلی الله علیه وسلم مردانی را که با زنان مشابحت اختیار نمایند و زنانی را که با مردان مشابحت اختیار کنند لعنت کرده است.

حافظ ابن حجر در فتح الباری<sup>(۳۵)</sup> با نقل از طبری فرموده است: برای مردان جایز نیست که در لباس و زینتی که ویژه زنان است با آنان مشابحت اختیار کنند و بالعکس همچنین از ابن التین<sup>(۳۶)</sup> نقل نموده که فرموده است: مراد از لعن در این حدیث مردانی هستند که در پوشش با زنان مشابحت اختیار نمایند یا زنی که با مردان مشابحت اختیار نماید.

<sup>۳۴</sup> - ۲۰۵ / ۷ در کتاب اللباس (باب المشتبهون بالنساء أو المتشبهات بالرجال) و ابوداود در سنن خود ۴ / ۲۵۴ در کتاب اللباس (باب في لباس النساء) شماره ۴۰۹۶ با لفظ: «أنه لعن المتشبهات من النساء بالرجال والمتشبهين من الرجال بالنساء». و ترمذی در ابواب الادب عن رسول الله صلى الله عليه وسلم (باب ما جاء في المتشبهات بالرجال من النساء) شماره ۲۷۸۴ با لفظ: «لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم المتشبهات بالرجال من النساء والمتشبهين بالنساء من الرجال». و ترمذی گفته است: این حدیث حسن، صحیح است و ابن ماجه در سنن خود ۱ / ۶۱۴ در کتاب النکاح (باب في المتخشين) شماره ۱۹۰۴ و احمد در مسند خود ۱ / ۳۳۹ آن را ذکر کرده اند.

<sup>۳۵</sup> - فتح الباری ۱۰ / ۴۰۹ در کتاب اللباس (باب إخراج المتشبهين من البيوت).

<sup>۳۶</sup> - او عبدالواحد بن التین از بزرگان علمای حدیث می باشد و شرحی بر صحیح بخاری دارد (کشف الظنون عن اسامي الكتب و الفنون ۱ / ۵۴۶).

همچنین<sup>(۳۷)</sup> از شیخ ابی جمره<sup>(۳۸)</sup> نقل کرده که فرموده است: حکمت در لعن کسی که مشابحت اختیار کند آنست که چیزی را که احکم الحاکمین - جل جلاله - به گونه ای وضع کرده تغییر می دهد و در حدیث، لعنت برو اصلاً به همین حکمت اشاره شده است که «المغیرات خلق الله» زنايي که آفرینش خداوندی را تغییر می دهند و در روایت بخاری<sup>(۳۹)</sup> از ابن عباس رضی الله عنهما آمده است که فرمود:

«لعن النبي صلى الله عليه وسلم المخنثين من الرجال والمترجلات من النساء». پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم مردانی را که با زنان و زنانی را که با مردان مشابحت اختیار می کنند لعنت کرده است.

عینی در شرح بخاری از کرمانی نقل کرده است که فرمود: مخنث کسی است که در کردار و گفتار با زنان مشابحت اختیار می کند، و گاهی این امر خلقتی می

---

<sup>۳۷</sup> - فتح الباری، ۱۰ / ۴۰۹ - ۴۱۰.

<sup>۳۸</sup> - او عبدالله بن سعد بن سعید بن ابی جمرة ازدي اندلسی ابو محمد از علماء حدیث می باشد او مالکی و از کتاب های ایشان: بحجة النفوس شرح صحیح بخاری می باشد در سال ۶۹۵ وفات یافت. (الأعلام للزركلي ۸۹ / ۴).

<sup>۳۹</sup> - ۷ / ۲۰۵ در کتاب اللباس (باب إخراج المتشبهين من البيوت) و تمامش چنین است: «وقال: أخرجهم من بيوتكم، قال: فأخرج النبي صلى الله عليه وسلم فلاناً وأخرج عمر فلاناً».

باشد و گاهی تکلفی که همین نوع دوم ملعون و مورد مذمت قرار گرفته است نه اول (۴۰).

و هیچ کس شک نمی کند که تشبه کامل با زنان، به وسیله تراشیدن ریش حاصل می گردد و این مشابحت بالاتر از مشابحت در لباس و غیره می باشد چون ریش مرد نخستین امتیاز و بزرگترین فرق در میان مرد و زن است؛ چنانکه این امر برای همه ظاهر و مسلم می باشد و کسی آن را انکار نخواهد کرد؟ مگر کسی که بخواهد خود را فریب دهد و خواهشات را پیروی نماید و پس از آنکه الله او را با نعمت زیبای مردانگی زینت بخشیده است خود را با زنان مشابه گرداند و همانگونه که گیسوان، زینت زن به حساب می آید، همین گونه ریش هم زیبای مرد و علامت مردانگی می باشد.

خلاصه اینکه، هر کاری را که زنان انجام دهند و مردان تقلید آنان را نمایند، پس مورد لعنت الله تعالی قرار می گیرند.

## مردی که خود را مشابه به کفار میسازد

مشابحت با کفار، که در شریعت از آن نهی آمده، شامل عاداتها، بدعتهای دینی، عقائد و عباداتی است که مخصوص کفار است. مانند: تراشیدن ریش، بستن کراوات (نیکتایی) و زنار (چیزی که به کمر بندند مانند پدران روحانی نصاری که زنار به کمر دارند. فرهنگ رائد الطلاب، جبران مسعود)، جشنها و اعیادی که

---

۴۰ - عمدة القاري شرح صحيح البخاري ۲۲ / ۴۲ در كتاب اللباس (باب إخراج المشبهين بالنساء من البيوت).



## مردان لعنت شده!..... ۴۱

کفار برای خود برگزیده اند. بزرگداشت شخصیتها با سر بریدن حیوان بر مزار آنان، طواف قبور و استغاثه از اصحاب قبور روی منازل، کشیدن علامت صلیب بر دست و یا جایی دیگر از بدن، به منظور تعظیم صلیب و اعتقاد به آن، همچون نصاری.

در مواردی مشابهت با کفار، انسان را به درجه ی کفر می رساند. مانند: مشابهت با کفار در استغاثه و استعانت از قبور. مانند: اختیار صلیب به عنوان شعار و تبرک به آنان. مانند: تراشیدن ریش، عرض تبریک به کفار به مناسبت فرا رسیدن اعیادشان. چه بسا که سهل انگاری و بی توجهی در موضوع مشابهت با کفار، در مواردی که حرام هستند، انسان را به درجه ی کفر برساند. العیاذ بالله. پوشیدن لباسهایی که جزو مشخصات کفار است که کفار با آن نوع لباس از دیگران متمایز می شوند. پوشیدن این نوع از لباس برای مردان و زنان مسلمان حرام است؛ زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم از مشابهت مسلمانان با کفار نهی نموده است.

### **آیا بستن نیکتایی شامل مشابهت با کفار است؟**

قبلا از بیان حکم نیکتایی لازم است بدانیم که چه کسانی نیکتایی را رونق دادند؟

شیخ امین الله البشاوری حفظه الله می گوید: «نیکتایی علامه صلیب است به خاطریکه صلیبی ها در اصل، صلیب رابه گردن می انداختند ولی منتقل نمودن صلیب و آویزان کردن آن برای آنها همیشه مشکل بود (بخاطری که از این مشکل

خارج شوند) پارچه ای از تکه را به شکل علامه صلیب در گردن انداختند»<sup>(۴۱)</sup>.  
و اکثریت علماء می گویند: «که بستن نیکتایی شعار و علامه صلیب است،  
و همچنان علماء میگویند: وقتی که «اینسایکلویپیدا» (یکی از بزرگترین سایت  
تعلیمی درجهان) برای اولین بار جور شد در باره نیکتایی در آن ذکر شده بود که  
هدف از نیکتایی همان علامه ای است که صلیبیان (نصاری) به خاطر علامه  
صلیب مقدس در گردن شان می اندازند».

از شیخ علامه محسن عباد حفظه الله پرسیدند که نیکتایی انداختن چه حکم  
دارد، خصوصا وقتی که انسان در شهری زندگی میکند که در آنجا این عادت  
گسترش یافته باشد و مردم بستن نیکتایی را نا آشنا نمی پندارند؟

ایشان جواب گفتند که: انداختن این (نیکتایی) جایز نیست زیرا که این لباس  
کافران است و با کافر حتی در لباس هم باید مخالفت نمود همچنان در پوشیدن پتلون  
هم مخالفت به کار است که در این (پتلون) اندام های انسان جدا جدا معلوم میشود  
و وقتی که انسان به پوشیدن پتلون محتاج شود باید تنگ نباشد بلکه آزاد باشد به  
خاطری که با کافران مشابقتش نشود<sup>(۴۲)</sup>.

---

<sup>۴۱</sup> - أمين الفتاوى، للشيخ ابى محمد امين الله.

<sup>۴۲</sup> - (موقع اهل الحديث والاثار).

## مردی که با همسرش از راه غیر مشروع (محل مدفوع) آمیزش کند

نزدیکی با زن از مقعد و محل مدفوع، از گناهان کبیره است و موجب لعنت میشود، در حدیث صحیح از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت شده است که: "ملعون من أتى امرأة فی دبرها" (۴۳).

یعنی: "کسیکه از پشت (محل مدفوع) با زنش آمیزش کند ملعون است." و در حدیثی دیگر فرموده است: "هر کسی که هنگام حیض (عادت ماهانه) با زنش آمیزش کند و یا از پشت (محل مدفوع) با زنش آمیزش کند و یا نزد کاهن بیاید، بر آنچه که بر پیامبر نازل شده است کفر ورزیده است" (۴۴).

همچنان در روایتی آمده است که: عن النبي صلی الله علیه وسلم أنه قال: «لعن الله الذین یأتون النساء فی محاشهن» -المحاش جمع محشة، وهي الدبر-.

یعنی: «رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: الله لعنت نموده آنانی را که از راه دبر با همسران شان همبستری می نمایند».

ولی حکمش مانند نزدیکی مرد با مرد (عمل قوم لوط) نیست، زیرا در مورد عمل قوم لوط، پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: "من وجدتموه یعمل عمل قوم لوط، فاقتلوا الفاعل والمفعول به" (۴۵).

۴۳ - (روایت امام احمد ۲/۴۷۹).

۴۴ - (روایت ترمذی رقم ۱/۲۴۳).

۴۵ - رواه ابی داود.

یعنی: " اگر کسی را دیدید که عمل قوم لوط را انجام میدهد، فاعل و مفعول را بکشید "، بنابراین حد عمل لواط مرد با مرد، قتل است، ولی در چگونگی قتل آن، علماء اختلاف نظر دارند، برخی میگویند باید رحم شوند، و برخی دیگر میگویند باید از بالاترین نقطه در شهر به پایین پرت شوند، و از این قبیل روش قتل، ولی در حکم قتلِ عمل لواط، علماء اتفاق نظر دارند و هیچ اختلافی ندارند، اما در مورد نزدیکی با همسر از مقعد، هر چند این عمل از گناهان کبیره است ولی حد ندارد و حکم قتل بر او ثابت نمیشود، زیرا اساساً نزدیکی و استمتاع با همسر جائز است ولی نزدیکی از مقعد زن جائز نیست، اما در مورد نزدیکی مرد با مرد، هر گونه نزدیکی از اصل حرام است.

### **آیا با رضایت زن، آمیزش از عقب ایرادی دارد؟**

در مورد آمیزش زن از پشت به محل مدفوع، احادیثی وارد شده است که شناعة این کار را بیان میکنند، و اگر چه رضایت زن هم باشد این عمل حرام است، در حدیث صحیح از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت شده است که: " ملعون من أتى امرأة فی دبرها " (۴۶).

یعنی: " کسیکه از پشت (محل مدفوع) با زنش آمیزش کند ملعون است " و در حدیثی دیگر فرموده است: " هر کسی که هنگام حیض (عادت ماهانه) با زنش

۴۶ - (روایت امام احمد ۲/۴۷۹).

آمیزش کند و یا از پشت (محل مدفوع) با زنش آمیزش کند و یا نزد کاهن بیاید، بر آنچه که بر پیامبر نازل شده است کفر ورزیده است<sup>(۴۷)</sup>.

**نوت:** ولی اگر کسی این کار را با زنش انجام دهد عقد ازدواج فاسد نمیشود و با این کار زن مطلقه نمیشود، زیرا هیچ دلیل شرعی بر باطل شدن عقد ادواج در صورت نزدیکی از پشت زن وجود ندارد، ولی علماء گفته اند که اگر شوهری چنین عمل زشتی را انجام میدهد زنش میتواند طلاق بگیرد زیرا شوهرش فاسق هست و مرتکب گناه کبیره میشود.

بنابراین هر چند این عمل از گناهان کبیره هست، ولی ربطی به طلاق ندارد و نیازی به عقد جدید ازدواج هم نیست.

## **مردی که حیوانات را مثله میکند (گوش و دم شان را قطع میکند)**

در حدیث آمده است: «إن رسول الله صلى الله عليه وسلم لعن من مثل بالبهاائم<sup>(۴۸)</sup>.

یعنی: رسول الله صلى الله عليه وسلم لعنت نموده است کسی را که حیوانات را مثله نماید.

متأسفانه دهاقین ما بعضی حیوانات را به اشکال مختلفی تعذیب میکنند و در دهن بعضی از حیوانات نسوار می اندازند و برخی حیوانات را آتش میزنند و برخی

---

<sup>۴۷</sup> - (روایت ترمذی رقم ۲۴۳/۱).

<sup>۴۸</sup> - (أخرجه أحمد ۵۶۷۴).

حیوانات را به شکل فجیع ذبح میکنند درینجا لازم است آداب ذبح حیوانات را کمی تفصیل بیان دهیم.

## آداب ذبح حیوانات

۱- تلفظ " بسم الله " در هنگام ذبح که اگر شخص به هر صورت " بسم الله " را نگوید ذبحش صحیح نخواهد بود.

پروردگار می فرماید: " ولاتأكلوا مما لم يذكر اسم الله عليه " و چیزهایی (منظور حیوانات ذبح شده است) که نام الله را بر آن نبرده اند نخورید.

۲- استخدایم چاقوی بُرنده: رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: " اذا قتلتم فاحسنوا القتلَةَ وَاذا ذَبَحْتُمْ فَاحْسِنُوا الذَّبْحَةَ ".

" اگر قتل و ذبح را خواستید انجام دهید پس آن را گرامی دارید و به راحتی او را ذبح کنید".

۳- ذبح باید از ناحیه گردن و همان شاه رگ باشد زیرا که اگر از مکان دیگری باشد حیوان ذبح نشده است بلکه بر اثر درد زیاد کشته می شود.

۴- شایسته اینست که در هنگام ذبح حیوانات دیگری در آنجا نباشند.

۵- نیت شخص ذبح کننده نباید به غیر از الله سبحانه و تعالی باشد.

## مردی که با حیوانات عمل شهوانی را انجام میدهد

رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: لَعَنَ اللَّهُ مَنْ وَقَعَ عَلَى بَهِيمَةٍ<sup>(۴۹)</sup>.

یعنی: رسول الله صلی الله علیه وسلم مردی را که با حیوانات عمل شهوانی را انجام دهد؛ لعنت نموده است.

### اما حکم خوردن گوشت حیوانی که با آن لواط شده:

حیوان حلال گوشتی که با آن لواط شده باشد، باید کشته شود، و گوشت آن خورده نمی شود، و اگر آن حیوان متعلق به لواط کننده باشد پس به هدر می رود، و اگر متعلق به دیگری باشد باید خسارت آنرا به مالکش پردازد. و لواط کننده هم تعزیر می شود، و بعضی با استناد به حدیث ضعیفی گفتند: او نیز کشته می شود.

«از حسن - از یاران ابوحنیفه - روایت شده که هرکس به حیوان تجاوز کند بمنزله زناکار است. امام ابوحنیفه و امام مالک، و امام شافعی بنا به قولی، و المویذ بالله و الناصر و امام یحیی بن زید گفته‌اند: این عمل زنا نیست بلکه واجب است که چنین شخصی تعزیر شود»<sup>(۵۰)</sup>.

ترمذی و ابوداود و ابن ماجه از عکرمه از ابن عباس رضی الله عنه روایت کردند که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «مَنْ وَجَدْتُمُوهُ وَقَعَ عَلَى بَهِيمَةٍ فَأَقْتُلُوهُ وَأَقْتُلُوا الْبَهِيمَةَ» فَقِيلَ لِابْنِ عَبَّاسٍ: مَا شَأْنُ الْبَهِيمَةِ؟ قَالَ: مَا سَمِعْتُ مِنْ

<sup>۴۹</sup> - مسند احمد (۲۹۱۷).

<sup>۵۰</sup> - بنقل از: "فقه السنة".

رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي ذَلِكَ شَيْئًا ، وَلَكِنْ أَرَى رَسُولَ اللَّهِ كَرِهَ أَنْ يُؤْكَلَ مِنْ لَحْمِهَا أَوْ يُتَتَفَعَّ بِهَا وَقَدْ عُمِلَ بِهَا ذَلِكَ الْعَمَلُ<sup>(۵۱)</sup>.

یعنی: « کسی که یافتید با چهارپایانی عمل جنسی انجام داد، او و حیوان را بکشید». به ابن عباس گفتند: حیوان چرا کشته شود؟ گفت: چیزی از رسول الله صلی الله علیه وسلم در این باره نشنیدم، اما بنظرم رسول الله صلی الله علیه وسلم کراهت داشتند که از گوشت حیوانی خورده شود و یا از گوشتش سودی برده شود درحالیکه با او چنین عمل شنیعی صورت گرفته باشد».

ابوداود و امام طحاوی این حدیث را ضعیف دانستند، و ترمذی بعد از روایت آن گفته: «سفیان ثوری از عاصم از ابورزین از ابن عباس رایت کردند که او گفت: « من أتى بهيمة فلا حد عليه» یعنی: کسی که با حیوانی لواط کند حد زده نمی شود.. و این حدیث از حدیث اولی صحیح تر است، و اهل علم نیز به آن عمل کردند، و قول احمد بن حنبل و اسحاق نیز همین است».

«به نظر علی رضی الله عنه و بنا به قولی ازشافعی گوشت چنین حیوانی که بدان تجاوز شده حرام است ولی باید آنرا سرپرید. و بنا بقول دیگری ازشافعی وبه قول ابوحنیفه و ابویوسف، خوردن گوشت چنین حیوانی مکروه است به کراهت تنزیهی یعنی بختراست که خورده نشود.

صاحب "البحر" گفته: باید چنین حیوانی سرپریده شود اگرچه گوشتش خوردنی نباشد یعنی اگرچه حلال گوشت هم نباشد مبادا نوزاد زشتی و ناقص الخلقه از آن

<sup>۵۱</sup> - ترمذی (۱۴۵۵) وأبو داود (۴۴۶۴) وابن ماجه (۲۵۶۴).



متولد گردد، همانگونه که نقل شده که چوپانی به حیوانی تجاوز کرد و بچه ناقص الخلقه‌ای زاد»<sup>(۵۲)</sup>.

و در کتاب دائرة المعارف فقهی آمده : «جمهور فقهاء گفتند که بر لواط کننده با حیوان حد جاری نمی شود و تنها تعزیر می شود، به دلیل روایتی که از ابن عباس رضی الله عنه نقل شده که گفت : «کسی که با حیوانی لواط کند حد زده نمی شود» ..

اما بعضی از شافعیه گفتند : حد زنا بر او جاری می شود، و این روایتی از احمد نیز هست. قول دیگر نزد شافعیه آنست که : چه محصن باشد یا غیر محصن در هر حال کشته می شود ..

(و اما در مورد خود حیوان) جمهور فقهاء (حنفیه و مالکیه و شافعیه) گفتند : حیوان کشته نمی شود، و اگر کشته شد جایز است از گوشت آن خورده شود و کراهت هم ندارد، ولی ابویوسف و محمد (از شاگردان ابوحنیفه) خوردن آنرا منع کردند، و گفتند : سربریده شود و بعد آتش زده شود. ولی ابوحنیفه (به خوردن آن) اجازه داده، و در کل حنفیه انتفاع از حیوان را چه زنده یا مرده اش را مکروه دانستند.

و اما حنابله گفتند : حیوان بایستی کشته شود چه متعلق به خود لواط کننده باشد یا متعلق به دیگران، و چه حلال گوشت باشد یا حرام گوشت. و این رأی نزد بعضی از شافعیه مقبول است، به دلیل روایت ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه

<sup>۵۲</sup> - به نقل از : "فقه السنة".

وسلم: « کسی که یافتید با چهارپایی عمل جنسی انجام داد، او و حیوان را بکشید». البته نزد شافعیه قول دیگری هست: اگر حلال گوشت بود سربریده شود، ولی خوردنش حرام است»<sup>(۵۳)</sup>.

و علامه ابن عثیمین از فقهای معاصر گفته: «اگر انسانی به حیوان چهارپایی دخول کرد، تعزیر می شود، و خود حیوان هم کشته می شود چونکه دیگر به حیفه (پلید) تبدیل شده و گوشتش حرام شده، اگر حیوان کشته شده متعلق به لواط کننده بود (مالش به هدر رفته) و اگر متعلق به دیگری بود باید خسارت صاحبش را پردازد.

البته بعضی گفتند: لواط کننده با حیوان کشته شود، به دلیل حدیث وارده از پیامبر صلی الله علیه وسلم: «من وجدتموه علی بھیمۃ فاقتلوه واقتلوا البھیمۃ». یعنی: «کسی که یافتید با چهارپایی عمل جنسی انجام داد، او و حیوان را بکشید»، و به دلیل عمومیت حدیث اهل علم به آن عمل کردند و گفتند: فرج حیوان به هیچ وجه حلال نیست، پس تجاوز به آن مثل لواط است، اما این حدیث ضعیف است، و برای همین اهل علم از آن به سوی کمترین حالت سوق یافتند یعنی فقط قائل به کشتن حیوان شدند، و انسان را نباید کشت، زیرا حرمت (خون او) بیشتر است، با این وجود به دلیل عمل قبیحش تعزیر خواهد شد، و قاعده عام اینگونه است که تعزیر برای هر معصیتی است که نه حد دارد و نه کفاره...»<sup>(۵۴)</sup>.

<sup>۵۳</sup> - الموسوعة الفقهية " (۲۴/۳۳).

<sup>۵۴</sup> - "الشرح الممتع" (۱۴/۲۴۵).

## مردان لعنت شده!..... ۵۱

و امام ابن قدامه درباره علت کشتن حیوان گفته است که: «گفتند: حیوان کشته می شود وگرنه فاعل (لواط کننده) با دیدنش یادآوری و سرزنش می شود، و بعضی گفتند: تا مبادا جنین مشوه شود، و گفتند: تا مبادا خورده شود، و این مورد اشاره ابن عباس رضی الله عنه است»<sup>(۵۵)</sup>.

خلاصه آنکه: گوسفندی که مورد لواط قرار گرفته بایستی کشته شود، و نه از گوشت و نه از شیر آن استفاده نشود.

### مردی که میان خانواده ها، جدایی بیفکند

در حدیث آمده است که: «لعن رسول الله صلی الله علیه وسلم من فرق بین الوالدة وولدها، و بین الأخ وأخیه»<sup>(۵۶)</sup>.

یعنی: «پیامبر کسی را که در میان مادر و فرزندش و برادر و برادرش، جدایی افکند، نفرین نمود!».

و نیز وارد شده که: «من فرق بین والده وولدها فرق الله بینه و بین أحبته یوم القيامة!»<sup>(۵۷)</sup>.

یعنی: «هر کس میان مادری و فرزندش جدایی افکند، الله میان او و دوستانش در روز رستاخیز جدایی خواهد افکند».

---

<sup>۵۵</sup> - "المغنی" (۶۰/۹).

<sup>۵۶</sup> - سنن دارقطنی، ج ۳، ص ۶۷، چاپ قاهره.

<sup>۵۷</sup> - تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی، ج ۵، ص ۱۵۴، چاپ بیروت.

## مردی که امام نماز است ولی مردم از وی ناراض هستند

عن الحسن قال سمعت أنس بن مالك يقول : لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم ثلاثة رجل أم قوما له كارهون وامرأة باتت وزوجها عليها ساخط ورجل سمع حي على الفلاح ثم لم يجب<sup>(۵۸)</sup>.

یعنی: «رسول الله صلى الله عليه وسلم لعنت فرمودند سه فرد را، یکی از آنها فردی است که برای مردم امامت می کند و مردم از او ناراض هستند، زنی که همسرش از او خفه است، و مردی که "حی علی الفلاح" را بشنود، ولیکن به نماز حاضر نگردد».

شیخ محمد صالح بن عثیمین می گوید: علماء سه قسم اند :

● علماء ملت

● علماء دولت

● علماء امت

**علماء ملت :** فقط رضایت مردم را می بینند و بخاطر رضایت مردم کار میکنند.

**علماء دولت :** فقط به رضایت دولت فتوی می دهند و هر کار نامشروع

دولت را مشروع میدانند.

---

<sup>۵۸</sup> - سنن الترمذی (۳۵۸)، [ قال أبو عیسی ] و محمد بن القاسم تکلم فیہ أحمد بن حنبل [ وضعفه ] ولیس بالحافظ.

**علماء امت :** فقط فقط آنچه که الله جل جلاله ورسول الله صلی الله علیه وسلم بیان نموده آن عالم نیز بیان میدارد و از هیچ ملامت ملامت کننده ای نمیترسد.

باید گفت اگر فردی عالم امت است ولیکن مردم از وی ناراض هستند درحقیقت مردم ملامت است نه این عالم... در افغانستان مشکل بی علمی و جهل سبب شده است که علمای که عمل به سنت های گرامی پیامبر صلی الله علیه وسلم می نمایند مردم با آنها رضایت نشان نمی دهند و باید گفت رحمت الله شامل این علماء حامی سنت میشود ولعنت الله بر حامی علماء اهل بدعت میشود.

### **مردی که اذان را بشنود ولی به نماز حاضر نشود**

انس رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم لعنت نمود فردی را که «حي على الفلاح» را می شنود واما اجابت آنرا نمی کند(به نماز حاضر نمیشود)<sup>(۵۹)</sup>.

عَنْ أَبِي الشَّعَثَاءِ قَالَ: كُنَّا فُعُوداً مَعَ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي الْمَسْجِدِ، فَأَذَّنَ الْمُؤَذِّنُ، فَقَامَ رَجُلٌ مِنَ الْمَسْجِدِ يَمْشِي، فَأَتْبَعَهُ أَبُو هُرَيْرَةَ بَصَرُهُ حَتَّى خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ، فَقَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ: أَمَا هَذَا فَقَدْ عَصَى أَبَا الْقَاسِمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ<sup>(۶۰)</sup>.

---

<sup>۵۹</sup> - سنن الترمذی(۳۵۸)، [ قال أبو عيسى ] و محمد بن القاسم تكلم فيه أحمد بن حنبل [ وضعفه ] وليس بالحافظ.

<sup>۶۰</sup> - رواه مسلم.

یعنی: از ابو الشعثاء روایت شده که گفت: همراه ابو هریره رضی الله عنه در مسجد نشسته بودیم، سپس مؤذن اذان داد و مردی از مسجد برخاسته و شروع به رفتن کرد. ابو هریره رضی الله عنه چشمش را به وی دوخت تا اینکه از مسجد بیرون برآمد، سپس ابوهریره رضی الله عنه گفت: اما این شخص ابوالقاسم صلی الله علیه وسلم را نافرمانی نمود.

ابن الجوزی می گوید: «زن کهن سالی همیشه قبل از وقت آغاز نماز ظهر وضوء می گرفت، برای او گفتند: آیا اذان داده شده؟ فرمود: نخیر، اما من، قبل از اینکه مؤذن صدا بزند، به سوی الله می روم»<sup>(۶۱)</sup>.

شیخ خالد را شد می گوید: جوانان امروز از غم و غصه شکایت می کنند پس راه علاج آن پیوستن به صفوف نماز گزاران است.

پسر به پدر گفت: پدر جان کجا میروی؟

پدرگفت: پسرم میروم به مسجد!

پسرگفت: هنوز اذان نشده!

پدرگفت: اذان برای نا آگاهان است؟ وگرنه آدمهای آگاه قبل از این که اذان داده

شود به دنبال بانگ الله میروند.

نوت: متأسفانه امروز نه تنها که وقت به مسجد نمی رویم، بلکه با شنیدن اذان

هم از نماز غافلیم<sup>(۶۲)</sup>.

---

<sup>۶۱</sup> - التبصره، و تفاوت ما با سلف.

<sup>۶۲</sup> - برگرفته از سخنرانی های یکی از علمای عرب

## مردی که از بالای گردن های مردم در مجالس بگذرد

از حذیفه بن یمان رضي الله عنه روایت شده که:  
رسول الله صلي الله عليه وسلم کسی را که در میان حلقه می نشیند، لعنت نمودند.

و ترمذی از ابو مجلز رضي الله عنه روایت نموده که مردی در وسط حلقه نشست، حذیفه گفت: بر زبان محمد صلي الله عليه وسلم ملعون است یا لعنت نموده الله بر زبان محمد صلي الله عليه وسلم کسی را که در وسط حلقه می نشیند (۶۳).

خطابی گفته است که این حدیث وارد است در مورد کسی که به حلقه قومی داخل شده از بالای گردنهای شان گذشته در میان حلقه نشسته و در نهایت مجلس نشیند و لعنت شده بواسطه آزاری که به دیگران رسانده و مانع دیدن برخی از دیدن برخی دیگر شده است.

## مردی که بر نابینا تمسخر میکند

رسول الله صلي الله عليه وسلم میفرماید: «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ كَمَّه الْأَعْمَى عَنِ السَّبِيلِ» (۶۴).  
یعنی: «الله لعنت نموده است کسیکه برای نابینا، راه اشتباه را نشان میدهد».

۶۳ - سنن الترمذی (۲۷۵۳)، و قال الترمذی: حدیث حسن صحیح.

۶۴ - مسند احمد (۲۹۱۷).

پیامبر صلی الله علیه وسلم برای کسیکه نابینا است بشارت بهشت داده است و فرموده: «إِنَّ اللَّهَ - عز وجل - ، قَالَ : إِذَا ابْتُلِيتُ عَبْدِي بِجَبِيَّتِهِ فَصَبِرَ عَوَّضَتْهُ مِنْهُمَا الْجَنَّةُ» یزید عینیہ ، رواه البخاری».

یعنی: الله سبحانه و تعالی فرموده است: وقتیکه امتحان کنم بنده ی خود را در مقابل چشمانش و آن صبر کند پس در عیوض (چشمانش) جنت را میدهم. این عادت ناپسند جامعه ای افغانی شده که هرکسی که نابینا باشد آنرا مورد تمسخر قرار میدهند بی خبر از اینکه آن مورد رحمت الله عزوجل قرار گرفته است.

### مردی که پدر و مادر خود را دشنام میدهد

امام احمد در مسندش روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «...وَلَعَنَّ اللَّهُ مَنْ سَبَّ وَالِدَهُ...».

یعنی: «و الله لعنت نموده است کسیکه پدر (ومادر) خود را دشنام دهد». پدر و مادر در حقیقت گلی هستند که فقط چند مدتی تازه اند پس قدر تازگی آنها را بدانیم ورنه گلی که خشک شود دیگر ممکن نیست که تازه گردد. الله سبحانه و تعالی میفرماید: ﴿واعبدوا الله ولا تشركوا به شيئاً وبالوالدين إحساناً﴾ [نساء: ۳۶] یعنی: «و الله را پرستید و چیزی را با او شریک مگردانید و به پدر و مادر احسان کنید».

باز الله متعال می فرماید: ﴿ووصينا الإنسان بوالديه حملته أمه وهنأ على وهن وفصاله في عامين أن اشكر لي ولوالديك إلى المصير﴾ [لقمان: ۱۴] یعنی: «و انسان را در باره پدر و مادرش سفارش کردم مادرش به او باردار شد سستی بر



روی سستی و از شیر باز گرفتنش در دو سال است [آری به او سفارش کردیم] که شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است».

و نیز: ﴿ووصینا الإنسان بوالديه إحسانًا حملته أمةً کرهًا ووضعتہ کرهًا وحمله وفضاله ثلاثون شهرًا﴾ [احقاف: ۱۵] یعنی: «و انسان را [نسبت] به پدر و مادرتش به احسان سفارش کردیم مادرتش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد و بار برداشتن و از شیر گرفتن او سی ماه است».

و پیامبر صلی الله علیه و سلم بر نیکی با والدین تأکید نموده، او صلی الله علیه و سلم فرموده اند: (من سرّه أن یمدّ له فی عمره (أی یبارک له فیه) ویزاد فی رزقه؛ فلیبرّ والدیه، ولیصل رحمه) (۶۵).

یعنی: «آنکه خوش دارد که عمرش دراز شود و روزیش بسیار؛ با والدینش نیکی کند و پیوند خویشان بدارد.»

همچنین رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: «رغم أنفه (أی أصابه الذل والخزی) ثم رغم أنفه، ثم رغم أنفه».

قیل: من یا رسول الله؟ قال: (من أدرك والديه عند الکبر؛ أحدهما أو کلیهما، ثم لم یدخل الجنة) (۶۶).

یعنی: «آن حضرت صلی الله علیه و سلم فرمود: خوار و ذلیل شود، خوار و ذلیل شود، خوار و ذلیل شود.»

<sup>۶۵</sup> - مسند احمد.

<sup>۶۶</sup> - (صحیح البخاری: ۵۹۷۳).

پرسیدند چه کسی یا رسول الله صلی الله علیه و سلم؟  
فرمود: کسی که والدنش را در وقت پیروی دریابد، یکی یا هردو را، ولی وارد  
بمشت نشود».

رسول الله صلی الله علیه و سلم میفرماید: «إِنَّ مِنْ أَكْبَرِ الْكِبَائِرِ: أَنْ يَلْعَنَ  
الرَّجُلُ وَالِدَيْهِ». قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَكَيْفَ يَلْعَنُ الرَّجُلُ وَالِدَيْهِ؟ قَالَ: «يَسُبُّ  
الرَّجُلُ أَبَا الرَّجُلِ، فَيَسُبُّ أَبَاهُ وَيَسُبُّ أُمَّهُ» (۶۷).

یعنی «همانا یکی از بزرگترین گناهان کبیره، این است که شخص، پدر  
و مادرش را لعنت کند. گفتند: ای رسول الله! چگونه شخص، پدر و مادرش را  
لعنت می کند؟ فرمود: «شخصی، پدر دیگری را دشنام می دهد و او در  
پاسخ، به پدر و مادرش، دشنام می دهد».

بنابراین بر هر مسلمانی واجب است که با والدینش نیکی نموده و با آنان  
خوشرفتار باشد.

شیخ عبدالعزیز طریفی می گوید: نیکی به والدین یا بدرفتاری نسبت به آنان وامی  
است که خیلی زود بازپرداخت می شود و نوهها به جای پدربزرگان آن را پرداخت  
می کنند. در اثر آمده که:

«در حق والدین خود نیکی کنید تا فرزندانتان به شما نیکی کنند».  
قدرت، حق آفرین نیست اما حق، قدرت آفرین است.

والدین سبب وجود آدمی هستند، و هر دوی آنان برای تربیت فرزندان و آسایش آنان زحمت می کشند، الله متعال نیکی در حق والدین را بر بندگانش واجب نموده و در این رابطه می فرماید: ﴿وقضى ربك ألا تعبدوا إلا إياه وبالوالدين إحساناً﴾ [اسراء: ۲۳].

یعنی: «و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را پرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید».

به پدر و مادرت تا توانستی احترام بگذار و آن دو را گرمی بدار. یکی از اساتید می گفت که من هفت سال پرستار پدرم بودم و در آن مدت، پیامبر صلی الله علیه وسلم را در خواب پانزده بار دیدم و برکات تکریم او را در زندگی خود به طور کامل مشاهده کردم!

مادر عبدالله بن عون. امام بزرگ و عالم بصره - او را صدا زد، پس پاسخ مادرش را داد اما صدایش از صدای مادرش بلندتر شد، پس به سبب آن دو برده آزاد کرد<sup>(۶۸)</sup>.

مادر جان، اگر عمرت در دستان من بود آن را برایت تمدید می کردم، اما عمرت در دست پروردگارم است، پس آیا دوست داشتن من برایت کافی است؟!  
مادر آن حب ثابتی است که هرگز تغییر نمی کند، تمام چیزهای اطرافت تغییر می کنند، مگر مادرت!

تمام کسانی که اطرافت هستند تورا ترک می کنند مگر مادرت!

تمام اطرافیانت در سختی تورا ترک می کنند مگر مادرت!  
مادرت کسی است که هیچ کسی را نمی توان به او تشبیه کرد.

مادرت کسی است که یک بار خلق شده و بر نمی گردد.

چه شبها بیدار ماند تا تو راحت باشی، و چقدر خستگی کشید تا تو بخوابی  
وراحت باشی، آیا به یاد نداری روزی که بدون پوشش می خوابیدی سپس پوشیده  
شده بیدار می شدی!

آیا به یاد نداری روزی را که از خواب بیدار می شدی و غذا را در کنار خود می  
دید، چه کسی غذا را برایت آماده می کرد؟!!

تورا به الله قسم، به من بگو چه کسی غذا را برایت آماده می کرد؟!!

آیا به یاد نداری کودکی بودی که به مدرسه می رفتی و صبح ها تورا بیدار می  
کرد؟!!

از صبح زود بیدار می ماند تا تو خوابت را از دست ندهی تا اینکه بیدارت می  
کرد، سپس لباس هایت را به تنت می کرد، سپس تو راهی می شدی و تو را ترک  
نمی کرد، بر لبه در تا آخر راه به تو چشم دوخته تا اینکه از آخرین خیابان رد می  
شدی، آنگاه بر می گشت.

خواب را نمی شناخت تا اینکه تو از خیابان رد می شدی!

آیا همه ای اینها را فراموش کردی؟!!

مادرجان، از سلامتی ام بگیر و مریض نشو، از آسایشم بگیر و خسته نشو، از  
خنده ام بگیر و گریه نکن، از خوشحالی ام بگیر و غمگین نشو.

ای بزرگواران، مادر کسی است که پروردگار آسمان ها وزمین سفارشش کرده است، امروز جوانان با مادران شان چه می کنند؟! امروز مردان با مادران شان چه می کنند!؟

حتی بعضی از جوانان مادرشان را نمی بینند مگر در مناسبت ها، سر وریش فقط متوجه تلویزیون وموبایلش است، قسم به الله، بعضی از ما بلکه بیشتر ما، صفحه گوشی اش را بیشتر از مادرش می بیند، صفحات را در اینترنت بیشتر از حرف زدن ولبخند در کنار مادرش زیر و رو می کند. بلکه بعضی از ما به مردم ودوستان ورفقاییش بیشتر از مادرش نگاه می کند، بر روی مردم وهمکارانش می خندد ومادرش را نمی شناسد مگر زمانی که به خانه برمی گردد، جواب سلامش را می دهد وبعد از آن اصلا با او حرف نمی زند.

## **مردی که از پدر خود انکار کند ویا پدر دیگری را انتخاب می نماید**

عن سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ وَأَبِي بَكْرَةَ قَالَ سَعْدٌ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: مَنْ ادَّعَى إِلَى غَيْرِ أَبِيهِ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ غَيْرُ أَبِيهِ فَاجْتَنَّهُ عَلَيْهِ حَرَامٌ فَذُكِرَ لِأَبِي بَكْرَةَ فَقَالَ: وَأَنَا سَمِعْتُهُ أُذْنَايَ وَوَعَاةَ قَلْبِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»<sup>(۶۹)</sup>.

یعنی: «سعد بن وقاص گوید: شنیدم که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: کسی که خود را به عنوان اولاد شخصی معرفی کند که می داند فرزند او نیست، و از منسوب شدن به پدر واقعی خود خودداری می کند بهشت بر او حرام است. این

حدیث را پیش ابو بکره (یکی از اصحاب رسول) بازگو کردند، ابو بکره گفت: با گوشه‌هایم این حدیث را از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم و آن را به خاطر سپردم».

## مردی که بدعت گذاری را پناه دهد

پیامبر صلی الله علیه وسلم هر کس را که بدعتی انجام دهد و یا مبتدعی را جای دهد و از آنه دفاع نماید، نفرین نموده است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید: «...وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ آوَى مُخْدِتًا...»<sup>(۷۰)</sup>.

یعنی: «...از رحمت الله دور باد کسی که بدعت گذاری را پناه می دهد...». در حدیث شخصی که فقط اهل بدعت را جای می دهد مورد نفرین قرار گرفته، پس حال کسی چه باشد که خود بدعتی را انجام دهد!

## اضرار بدعت در اسلام

بدعت همانند قوغ آتش است، اگرچه قوغ کوچک یا بزرگ باشد بازهم می سوزاند، و نیز بدعت درامت مانند مرض سرطان است که در اخیر انسان را به تباهی می کشاند.

\*عبدالله بن مبارک رحمه الله می گوید: "بر چهره صاحب بدعت غبار است، (یعنی چهره اش نوری ندارد) اگر چه که روزی سی بار هم روغن بزند"<sup>(۷۱)</sup>.

<sup>۷۰</sup> - (صحیح مسلم).

<sup>۷۱</sup> - ["اعتقاد أهل السنة - للالکائی ، (۱/۴۱۱)].

\* امام حسن رحمه الله می گوید: «لا تجالس صاحب بدعه فإتته يمرض قلبك» (با انسان مبتدع وبدعت گزار منشین، چرا که او قلبت را بیمار می کند).

\* یحیی بن ابی کثیر فرمود: «هرگاه در راهی انسان بدعت گزاری را ملاقات کردی تو از راه دیگری برو»<sup>(۷۲)</sup>.

\* ابن تیمیه رحمه الله فرمود: «ترک و دور شدن و سلام نکردن از اهل بدعت چه کافر یا فاسق یا کسانی که آشکارا گناه می کنند، فرض کفایی است و بر دیگر مردم مکروه است، و هیچکس نباید بر فرد فاسقی که فسقش را آشکار می کند و بر مبتدعی که بدعتش را تبلیغ می کند سلام کند.

\* شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله میگوید: امر کردن به سنت و نهی از بدعت همان امر به معروف و نهی از منکر است و از اعمال نیکو برتر است<sup>(۷۳)</sup>.

\* به امام اوزاعی رحمه الله گفته شد: مردی می گوید: من هم با اهل سنت هم نشینی می کنم و هم با اهل بدعت.

امام اوزاعی فرمودند:

این مرد می خواهد بین حق و باطل مساوات ایجاد کند<sup>(۷۴)</sup>.

\* امام ابن القیم رحمه الله فرموده: پس فاش سازی معایب اهل بدعت و آشکار سازی نواقص آنان از بهترین شیوه ی جهاد در راه الله است<sup>(۷۵)</sup>.

<sup>۷۲</sup> - [الاعتصام جلد ۱ صفحه ۸۳].

<sup>۷۳</sup> - [منهاج السنة ۲۵۳ / ۵].

<sup>۷۴</sup> - [الإبانة ۴۳۰].

\* امام ابو اسماعیل الهروی رحمه الله می گوید: پنج بار شمشیر را بر گردنم نهادند!!..

به من گفته نشد که از دینت مرتد شو!، بلکه به من گفته شد که در مقابل کسانی که مخالف هستند (اهل بدعت) سکوت کن، ولی من نمیتوانم سکوت کنم!!<sup>(۷۶)</sup>.

\* سعید بن جبیر رحمه الله فرمودند: برایم گوارتر است که اگر پسرم با فاسقی دزد زور گیر از اهل سنت رفت آمد کند بهتر از آنست که با عابدی صاحب بدعت همراه شود<sup>(۷۷)</sup>.

\* امام شاطبی رحمه الله فرمودند: دوستی با اهل بدعت نتایج آن سرپیچی از حق است<sup>(۷۸)</sup>. و نیز می گوید در اسلام آنقدر که ترک سنت و ایجاد بدعت مضر است چیزی دیگری نیست.

\* شیخ الاسلام بن تیمیه رحمه الله فرمودند: هر کس که به اهل بدعت گمان نیک داشته باشد و مدعی شود که از بدعت آنها باخبر نبوده و بعد از آن برایش ثابت شود که اهل بدعت هستند و بر آنها مُنکِر نشود جزء اهل بدعت خواهد بود و در حکم به آنها پیوسته است<sup>(۷۹)</sup>.

---

<sup>۷۵</sup> - [مختصر الصواعق ۱/۱۰۳].

<sup>۷۶</sup> - [الاداب الشرعیه لابن المفلح ۱/۲۰۷].

<sup>۷۷</sup> - [الابانة الصغری ص ۱۳۲].

<sup>۷۸</sup> - [الاعتصام ص ۱/۱۳۱].

<sup>۷۹</sup> - [مجموع الفتاوی ۲/۱۳۳].



\* شیخ الإسلام ابن تیمیة رحمه الله فرمودند: فساد یهود و نصاری برای عموم مسلمانان، ظاهر و مشخص است اما فساد اهل بدعت برای هرکسی معلوم و مشخص نیست<sup>(۸۰)</sup>.

\* سفیان ثوری میفرماید: بدعت، نزد شیطان از گناه محبوبتر است چون گنهگار از گناه توبه میکند یا پشیمان میشود ولی بدعتکار از آن توبه نمیکند چون آن را عبادت محسوب میکند<sup>(۸۱)</sup>.

\* عبدالله میگوید از پدرم (احمد بن حنبل) در مورد مردی که بدعتی را ساخته و مردم رو به آن دعوت می کند پرسیدم آیا باید به زندان انداخته شود؟ گفتن: بله زندانی شود تا شر بدعتش از مسلمانان کم شود<sup>(۸۲)</sup>.

\* همچنین از امام احمد روایت شده که هرکس دست از بدعتش برندارد تا هنگام مرگ زندانی شود (یعنی حبس ابد).

\* امام احمد بن حنبل رحمه الله تعالی میگوید: إِذَا سَلَّمَ الرَّجُلُ عَلَى الْمُبْتَدِعِ فَهُوَ يُجِبُّهُ (هرگاه مردی به اهل بدعت سلام کند پس او را دوست دارد)<sup>(۸۳)</sup>.

---

<sup>۸۰</sup> - [مجموع الفتاوی ۲۳۲/۲۸].

<sup>۸۱</sup> - [۲۰۹ شرح اصول للاکالی].

<sup>۸۲</sup> - [مسائل الإمام أحمد لابنه عبدالله ۴۳۹].

<sup>۸۳</sup> - [و طبقات الحنابلة ۱/۱۹۶].

\* ابن تیمیه رحمه الله تعالی می فرماید: هر کس گمان کند که می تواند قرآن و سنت را بدون پیروی کردن از صحابه مورد استفاده قرار دهد قطعاً او از اهل بدعت است<sup>(۸۴)</sup>.

\* امام مالک رحمه الله می فرماید: هر کس بدعتی در دین ایجاد کرد و چنین گمان کند که این بدعتی نیکو و حسنه می باشد؛ پس چنین کسی گمان کرده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم به رسالتش خیانت کرده و آن را کامل به بندگان نرسانده است. چرا که الله متعال می فرماید: امروز دین شما را برایتان کامل کردم و (با عزت بخشیدن به شما و استوار داشتن گامهایتان) نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین الله پسند برای شما برگزیدم. پس هر امری که در آن زمان جزو دین نبوده است؛ امروزه نیز جزو دین نمی باشد<sup>(۸۵)</sup>.

علامه ابن قیم می گوید: اهل سنت و جماعت بخاطر سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم به حرف مردم و طعنه مردم اهمیت نمیدهند.

واهل بدعت بخاطر حرف وارضی بودن مردم، سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم را ترک میکنند.

و نیز می گوید: اهل سنت قلبشان زنده و نورانی و اهل بدعت قلبشان مرده و تاریک است<sup>(۸۶)</sup>.

---

<sup>۸۴</sup> - [مختصر الفتاوی المصریة ص ۵۵۶].

<sup>۸۵</sup> - [الاعتصام: ۱/۴۹].

<sup>۸۶</sup> - [اجتماع جیوش الاسلامیه].

## مردی که خالکوبی میکند

عمر رضی الله عنه روزی برخاست و گفت: «شما را به الله سوگند چه کسی از شما در مورد خالکوبی سخنی از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده است؟» همه ساکت ماندند. ابوهریره برخاست و گفت: «أی امیرالمؤمنین! من از رسول الله شنیدم که فرمودند: «نه خالکوبی کنید و نه به کسی اجازه دهید که بر بدن شما خالکوبی کند»<sup>(۸۷)</sup>.

خالکوبی حرام است و از جمله گناهان کبیره میباشد، به این دلیل که پیامبر صلی الله علیه وسلم کسی که خالکوبی را بر روی دیگران انجام میدهد و کسی که از دیگران میخواهد تا بر روی او خالکوبی انجام دهند، نفرین کرده اند، پس زمانی که بر روی دختر خردسالی، خالکوبی انجام شود و این در حالی است که خودش نمیتواند مانع این کار شود، پس او هیچ گناهی ندارد، و کسی که این کار را با او کرده است گناهکار میباشد. زیرا الله از هر شخصی به اندازه توانایی اش انتظار دارد و او را مؤاخذه مینماید. این دختر خردسال نمیتواند از این کار جلوگیری کند ولی کسی که این کار را با او انجام داده گناهکار است، و این شخص باید خالکوبی را در صورتی که به او آسیبی نرسد، پاک کند.

«در خالکوبی دائم ابتدا نقش را با سوزنی بر پوست حک میکنند تا اندکی خون بیاید، سپس ماده رنگی را بر این زخم قرار میداده اند تا به تدریج جذب پوست شود. ماده رنگی میتواند شامل نیل، سرمه، دوده چراغ، آب تره یا هر رنگ

<sup>۸۷</sup> - ابوهریره (شاگرد مکتب پیامبر) مؤلف: محمدعلی دوله: ص ۹۵.

طبیعی ماندگار دیگر بصورت مایع یا جامد باشد که به آن خالکوبی گوشتی می گویند. و در روش های جدید از سوزن های معروف به سوزن سرطلابی استفاده می شود، در ابتدا طرح خالکوبی را با خودکار بر روی بدن می کشند، سپس سوزن سرطلابی را درون جوهر (جوهر خودنویس ropid) می زنند و به آرامی به زیر پوست بدن وارد می کنند» بنقل از: " ویکیپدیا، دانشنامه آزاد".

البته بین خالکوبی دائم که طرح و رنگ پوست را بصورت ثابت تغییر می دهد، با خالکوبی موقت که قابل پاک شدن است، فرق وجود دارد، اولی (یعنی خالکوبی دائم) حرام و گناه کبیره است.

## چرا خالکوبی در اسلام تحریم شده است؟

خالکوبی در اقوام قبل از اسلام همچون حال حاضر رونق بسزایی داشت. اما پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم این عمل را تحریم کرد، و انجام دهنده و خالکوب کننده هر دو رو لعن کردند «لعن الله الواثمة والمستثومة».

تا چند قرن قبل حکمت این دستور برای اسلام سیتیزان سوال بر انگیز بود، تا اینکه در اواخر قرن ۲۰ محققان و پژوهشگران کشف کردند که؛ در اثر خالکوبی و تزریق مواد شیمیایی به بدن امراض گوناگون از جمله بیماری های خونی از نوع هپاتیت B و C و امراض مهلک جلدی از جمله سرطان جلدی به فرد نمایان میشود، که در بسا موارد جبراننش ممکن نخواهد نبود.

برای اسلام ستیزان مایه تعجب درین بود، که چطور پیامبر اسلام در ۱۴۰۰ سال قبل و آنهم در زمانیکه هیچ نوع وسایل اکادمیک طبیی موجود نبود، به ضررهای خالکوبی پی برده و آنرا تحریم کرده بودند.

الله متعال چه زیبا میفرماید: ﴿و ما یَنطِقُ عَنِ الْهَوَاءِ، اِنْ هُوَ اِلَّا وَحیٌ یُّوحیٰ﴾  
و پیامبر از خود سخن نمیگوید، جز اینکه وحی است که ما به او کردیم.

### مردی که دزدی میکند

یکی از دستورات مهم اسلام، حفظ و نگهداری اموال است. اسلام امر نموده تا مال از راه حلال کسب شود (و اصل در هر چیز مباح بودن است) و کسب آنرا از راه حرام نهی کرده، و راه های کسب حرام را هم بیان کرده است. الله متعال میفرماید: ﴿وَ قَدْ فَصَّلَ لَکُمْ مَا حَرَّمَ عَلَیْکُمْ اِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ اِلَیْهِ﴾ (أنعام: ۱۱۹).

یعنی: «و بطور یقین آنچه را که بر شما حرام کرده، برایتان بیان نموده است».

سرقَت یکی از کسبهای حرام است:

و آن عبارت است از گرفتن و برداشتن مال دیگران به صورت پنهانی و پوشیده<sup>(۸۸)</sup>.

و از گناهان کبیره میباشد، و حد آن بوسیله کتاب، سنت، و اجماع امت، ثابت است، الله متعال میفرماید: ﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا اَیْدِیَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِیزٌ حَکِیْمٌ﴾ (مائده: ۳۸)

## مردان لعنت شده!..... ۷۰

«دستهای مرد و زن دزد را قطع کنید (این) کیفر عملی است که انجام داده اند و مجازاتی است از جانب الله، و الله (بر کار خود) چیره (و در قانونگذاری خویش) حکیم است».

از عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت است: (أن رسول الله صلى الله عليه و سلم قطع سارقا في بجن قيمته ثلاثة دراهم) <sup>(۸۹)</sup>.

یعنی: «پیامبر صلی الله علیه و سلم دست دزدی را بخاطر (دزدیدن) سپری که سه درهم ارزش داشت قطع کرد».

ابن منذر گوید: علما اجماع کرده اند که هرگاه دو مسلمان آزاد و عادل گواهی دهنده که شخصی دزدی کرده واجب است دستش قطع شود.

پس اگر شخصی بالغ و عاقل با اختیار خودش دزدی کرد، سپس به آن اعتراف نمود، یا دو نفر عادل به دزدی او گواهی دادند، واجب است که حد بر او جاری شود. مشروط بر اینکه آن مال به حد نصاب رسیده و در مکانی محفوظ قرار گرفته باشد.

از عائشه رضی الله عنها روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: (لا تقطع يد السارق إلا في ربع دينار فصاعدا) <sup>(۹۰)</sup>.

یعنی: «دست دزد قطع نمیشود مگر در یک چهارم دینار و بیشتر از آن».

---

<sup>۸۹</sup> - متفق علیه.

<sup>۹۰</sup> - متفق علیه.

## مردی که سود میخورد

در حدیث صحیح آمده است که: لعن رسول الله صلی الله علیه وسلم آکل الربا و موکله، وکاتبه و شاهدیه، و قال : هم سواء<sup>(۹۱)</sup>.

"پیامبر صلی الله علیه وسلم رباخوار، ربا دهنده، کاتب و دو شاهد آنرا لعنت کرده، و میفرمود: همه در گناه باهم برابراند.

امام مالک می گوید: تمام قرآن را خواندم و در آن چیزی بد تر از ربا(سود) نیافتم.

و برخی موارد سودی: گذاشتن پول در بانک ها و گروهی.

### اول باید دانست که منظور از ربا چیست؟

ربا یعنی اضافی (گرفتن یا دادن) در شیء مخصوصی، و از فزونی مشتق شده است، طبق این فرموده الله تعالی: «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَاً لِيَرْبُؤَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُؤُوا عِنْدَ اللَّهِ» روم ۳۹. (و آنچه [به قصد] ربا می دهید تا در اموال مردم سود و افزایش بردارد نزد خدا فزونی نمی گیرد) یعنی نزد خداوند (اموال) زیاد نمی شود و این فرموده (لِيَرْبُؤُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ)، یعنی زیاد می شود.

و اصل آن چنین بوده که در زمان جاهلیت هرگاه قرضی متوجه یکی از آنها بود، آن بدهی را از او طلب می کردند و می گفتند: به ما صد تا بده یا آنرا تا صد و پنجاه بر ایمان بیفزای. و هر گاه قرض او بر صد و پنجاه قرار می گرفت به او می گفتند: به ما صد و پنجاه تا بده یا دویست تا بر ایمان قرار بده... و بر همین منوال.

<sup>۹۱</sup> - [صحیح مسلم ۱۵۹۸].

## مردان لعنت شده!..... ۷۲

و شرع نوعی دیگر از ربا را حرام کرده است و آن ربا در اضافه است. یعنی زیاد (گرفتن) در یکی از دو جنس (مبادله شده)، هر گاه یکی با دیگری معامله شود. بگونه ای که هر گاه طلا با طلا معامله شود، این معامله جایز نیست مگر اینکه مقدار هر دو طلا برابر باشد و دست به دست معامله شود (در همان وقت، معاوضه صورت گیرد)، و گرفتن (طلاها) از دست یکدیگر و برابر بودن مقدار آنها در این معامله شرط است، پس هر کس بیشتر بگیرد یا بیشتر بپردازد مرتکب ربا شده است، و همچنین هر گاه یک صاع گندم با دو صاع از آن معامله شود هرچند که به صورت دست به دست باشد، معامله ربوی است. (یعنی لازم است هر دو شرط یعنی برابر بودن در میزان و دست به دست تعویض کردن، واقع شوند).

## راه های که اسلام برای ربا شدن از ربا وسود پیشنهاد میکند

۱- **مضاربه:** یک نفر پول میدهد و نفر دیگر با آن کار میکند، سود را به نسبت توافق تعیین میکنند، یعنی درآمد معامله هر مقدار که باشد، مطابق با قرارداد قبلی بین شرکاء تقسیم شود. اگر خسارتی وارد شد فقط به صاحب مال است زیرا فردی که کار کرده است از تلاش و کار خود مایه گذاشته و او هم به نوعی دچار خسارت شده است.



مردان لعنت شده!..... ۷۳

۲- **بیع سلم:** جنسی را که در آینده حاضر میشود حالا میفروشد، فردی نیازمند پول است، جنس خود را که در فصل یا زمان مشخصی آماده میشود با شروط مذکور در کتابهای فقه بفروش میرساند، پول آن را حالا دریافت میکند.

۳- **بیع موجل (قرضی):** قیمت پرداختی در این معامله قدری از معامله نقدی بیشتر است دین اسلام این نوع معامله را برای سهولت حصول مصالح مردم و رها شدن از ربا تجویز میکند.

۴- **گشایش مؤسسات زکات** که مبالغ جمع شده را به افراد نیازمند یا فقرای بی سرپرست و بی سروسامان یا غریبان در راه مانده میپردازند و به این صورت نیازشان را برطرف مینماید، آنان را از مشکل میرهاند و تکافل اجتماعی را متحقق میسازد.

آنچه بیان گردید گوشه ای از دستورات و صلاح دیدهایی است که برای تک تک افراد جامعه از جانب عقیده و شریعت اسلامی ترسیم شده است. تا ضامن عدالت اجتماعی و اقتصاد و حافظ کرامت و شخصیت انسانی در طی طریق به سوی اهداف تعیین شده باشد و در این مسیر نیازهایش برآورد و مصالح او را از ما حاصل تلاش خود تأمین سازد.

## **مردی که بغاظر از داری لباس سیاه میپوشد**

پوشیدن لباس مشکی هنگام مصائب، شعار باطل و بی اساسی است، لازم است که انسان هنگام مصیبت آنچه که شرع به آن دستور داده است انجام دهد و

بگوید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، اللهم أَوْجِرْنِي (أَجْرْنِي) فِي مَصِيبَتِي وَاخْلُفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا»<sup>(۹۲)</sup>.

"الهی در مصیبت مرا پاداش دهید و از آن مصیبت خیر را نصیب گردان"  
هر گاه این را با ایمان و رضایت گوید الله او را بر مصیبت مأجور نماید و آنرا به برتر از مصیبت تبدیل نماید، اما پوشیدن لباس معینی همچون مشکی و غیره در شرع اصل و پایه ندارد و باطل و مذموم است.

### مردانی که طلا میپوشند

روزی پیامبر صلی الله علیه و سلم حریر را در طرف راستش قرار داد و طلا را در طرف چپ و سپس فرمودند: "إن هذين حرام علی ذکور أمتی حل لِنائِها"<sup>(۹۳)</sup>.  
یعنی: "این دو چیز برای مردان امت من حرام میباشد و برای زنان حلال".  
پس برای پسر بچه و یا مرد پوشیدن طلا و حریر چه کم باشد و چه زیاد، حرام میباشد، و اگر کسی نوزاد و یا بچه ی نابالغش را طلا و یا حریر بپوشاند گناه بر گردن والدینش خواهد بود، در واقع این عمل یک الگوی بد برای فرزندان خواهد بود که از کوچکی به این اشیاء حرام عادت کنند لذا باید از همان اول جلو این فساد را گرفت.

در اسلام پوشیدن انگشتر ممانعت نشده اما برخی شروط را در آن گذاشته است که:

<sup>۹۲</sup> - (صحیح مسلم).

<sup>۹۳</sup> - [روایت ابو داوود، حدیث ۴۰۵۷].

- انگشتی از طلاء نباشد.
- انگشتی را در دست راست ببندد.
- انگشتی را بخاطر بدفالی نپوشیده باشد.
- انگشتی را بخاطری نامزدی نپوشد.
- نگین آن در کف دست باشد.

### حکمت حرمت طلا برای مردان

در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و سلم حرمتش برای مردان ثابت شده است و سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم مکمل و مفسر قرآن هست، الله متعال میفرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (النحل: ۴۴).

یعنی: «و ذکر را به سوی تو فرود آوردم (یعنی: قرآن را) تا برای مردم بیان کنی (با سخنان و افعال و مجموعه سنت و سیرت پاکیزه‌ات) آنچه را به سوی آنان نازل شده است (در این کتاب از احکام شرعی و مؤدها و هشدارها) و تا باشد که آنان تفکر کنند»

از این آیه درمی یابیم که تبیین کتاب از مهمترین مأموریت‌های پیامبر صلی الله علیه و سلم است، بدین سبب است که تمام افعال، اقوال و احوال آن حضرت صلی الله علیه و سلم بیان و تفسیر کتاب الهی می باشد و نیز بدین سبب است که فهم کتاب، بدون فهم سنت کامل نیست.

و در حدیث صحیح پیامبر صلی الله علیه و سلم وارد شده است که طلا برای زنان مباح، و برای مردان حرام هست، و روزی پیامبر صلی الله علیه و سلم حریر را در طرف راستش قرار داد و طلا را در طرف چپ و سپس فرمودند: "إن هذين حرام علی ذکور أمتی حل لآناثها"<sup>(۹۴)</sup>.

یعنی: "این دو چیز برای مردان امت من حرام میباشد و برای زنان حلال". پس برای مردان (چه کوچک و چه بزرگ) پوشیدن طلا و حریر چه کم باشد و چه زیاد، حرام هست.

و الله که طلا را برای مردان حرام کرده است از حکمتش آگاه هست گرچه آنرا ندانیم، ولی یکی از حکمت هایش اینست که طلا زینتی هست برای زنان که با پوشیدنش به تحمل و لطافت و زنانه گیش می افزاید، و مردان نباید خود را شبیه زنان سازند و اگر طلا بپوشند احتمال دارد کم کم خوی زنان را به خود بگیرند، برای همین حریر نیز که برای زنان مباح هست برای مردان حرام گردیده، زیرا خوی زنان به خود میگیرند، و خداوند متعال در مورد زنان میفرماید: ﴿أَوَمَنْ يُنْسَأُ فِي الْحَلِیَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ﴾ (الزحرف: ۱۸).

یعنی: «آیا کسی که در زر و زیور پرورده می شود و او در صف خصومت ظاهر نمی گردد؟».

---

<sup>۹۴</sup> - (روایت ابو داوود، حدیث ۴۰۵۷).

آیه کریمه دلیل رقت طبع زن و غلبه عاطفه وی بر عقلش و میل و گرایش وی به تحمل و لطافت است، بنابراین این آیه کریمه اشاره بر آن است که پوشیدن طلا و ابریشم برای زنان مباح و برای مردان حرام می باشد.

ولی ما مکلف هستیم که اوامر خداوند را بجای آوریم چه حکمتش را بدانیم و چه ندانیم، زیرا خالقى که بندگانش را آفریده است داناتر هست که چه چیزی برای آنها شایسته هست و چه چیزی مضر.

### مردى که ابریشم مى پوشد

پوشیدن لباس ابریشمی برای مردان حرام است، چون پیامبر صلی الله علیه وآله وَسَلَّمَ هشدار داده که هر کس در دنیا لباس ابریشمی بپوشد در آخرت آن را نخواهد پوشید. و مى فرماید: «أَحِلَّ الذَّهَبُ وَالْحَرِيرُ لِإِنَاثِ أُمَّتِي وَحُرِّمَ عَلَيَّ دُكُورَهَا»<sup>(۹۵)</sup>.

یعنی: «طلا و ابریشم برای زنان امت من حلال قرار داده شده اند و برای مردان امت من حرام هستند»

اما به اندازه چهار انگشت و یا اگر آنچه با ابریشم آمیخته شده از ابریشم بیشتر باشد جایز است چون در این مورد حدیث آمده است<sup>(۹۶)</sup>.

<sup>۹۵</sup> - آلبنی در صحیح نسائی آن را صحیح قرار داده (۴۷۵۴).

<sup>۹۶</sup> - مسلم (۱۲-۱۵، ۲۰۶۹).

## مردی که نزد کاهنان، فالبینان و ساحران می‌رود

این چنین مردان در افغانستان به خصوص در پارک‌ها و مراکز تفریحی بسیار زیاد است.

عن أبي هريرة رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مَنْ أَتَى عَرَافًا أَوْ كَاهِنًا فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ»<sup>(۹۷)</sup>.

یعنی: «کسی که نزد کاهن و فال‌گویی بیاید و آنچه (او از اخبار غیبی) می‌گوید آن را تصدیق کند همانا به آنچه بر محمد فرود آمده کافر شده است». و در حدیث دیگر می‌آید: من أتى عرافاً يسأله لم تقبل منه صلاة أربعين ليلة. یعنی: «هر کسیکه نزد فالبین برود واز آن سوال کند؛ پس چهل شب نماز آن قبول نمی‌گردد».

## مردی که تصویر می‌گیرد و تصویر می‌سازد

کشیدن عکس جانداران، اعم از انسان و حیوان، حرام است؛ خواه این عکس به شکل مجسمه باشد یا به صورت نقاشی روی کاغذ، یا پارچه و یا روی دیوار باشد؛ زیرا در احادیث صحیح از آن نهی شده است و انجام دهنده آن به عذاب دردناک وعده داده شده است.

درگذشته از کانال همین تصاویر، موجبات شرک به الله (با ایستادن انسانها در برابر تصاویر، تعظیم برای آنها، تقرب جستن به آنان و تکریم آنان به صورتیکه جز برای الله تعالی جایز نیست) فراهم شده است. و نیز در تصویر سازی شباهتی به

<sup>۹۷</sup> - رواه أحمد ۲/ ۴۲۹.

خلقت و آفرینش الله تعالی است. گاهی در این تصاویر فتنه گری است همچون تصویر زنان هنرپیشه با بدن های لخت و عریان و کسانی که به نام ملکه زیبایی مشهورند و امثال آن.

از جمله احادیثی که در این مورد آمده و صورتگری را گناه کبیره قرار داده، حدیث ابن عمر است که میگوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: « إِنَّ الَّذِينَ يَصْنَعُونَ هَذِهِ الصُّورَ يُعَذَّبُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يُقَالُ لَهُمْ: أَحْيُوا مَا خَلَقْتُمْ »<sup>(۹۸)</sup>.

یعنی: (همانا روز قیامت، به کسانی که این مجسمه ها را میسازند عذاب داده می شود و به آنها گفته می شود: آنچه را که خلق کرده اید، زنده کنید).

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه میگوید: از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که میفرمود: « إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْمُصَوِّرُونَ »<sup>(۹۹)</sup>.

یعنی: معذبترین مردم نزد الله تعالی کسانی هستند که تصویر می کشند. ابو هریره رضی الله عنه میگوید: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که میگفت: « قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذَهَبَ يَخْلُقُ كَخَلْقِي فَلْيَخْلُقُوا ذَرَّةً أَوْ لِيَخْلُقُوا حَبَّةً أَوْ شَعِيرَةً »<sup>(۱۰۰)</sup>.

<sup>۹۸</sup> - بخاری (۵۹۵۱) - مسلم (۲۱۰۸).

<sup>۹۹</sup> - بخاری (۵۹۵۰) - مسلم (۲۱۰۹).

<sup>۱۰۰</sup> - بخاری (۵۹۵۳، ۷۵۵۹) و مسلم (۲۱۱۱).

یعنی: «الله تعالی میفرماید: چه کسی ستمگراتر از فردی است که تلاش میکند تا مانند آفرینش من بیافریند. پس دانه ای گندم و یا مورچه ای یا دانه ای جو بیافریند».

و حدیث عایشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا که میفرمود: پیامبر صلی الله علیه وسلم از سفر آمد و من پرده ای تصویردار بر طاقی آویزان کرده بودم. وقتی پیامبر آن را دید رنگ صورتش متغیر شد و فرمود: «يَا عَائِشَةُ، أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ الَّذِينَ يُضَاهَوْنَ بِخَلْقِ اللَّهِ»<sup>(۱۰۱)</sup>.

یعنی: «ای عایشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا، معذبترین مردم نزد الله تعالی در روز قیامت، کسانی هستند که تلاش می نمایند تا کاری شبیه خلقت و آفرینش الله تعالی انجام دهند.» عایشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا می گوید: ما آن پرده را برداشتیم و یک یا دو بالش از آن درست کردیم.

حدیث ابن عباس رَضِيَ اللهُ عَنْهُم که میگوید: شنیدم که پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرمود: «مَنْ صَوَّرَ صُورَةً فِي الدُّنْيَا كُفِّفَ أَنْ يَنْفُخَ فِيهَا الرُّوحَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَيْسَ بِتَافِخٍ»<sup>(۱۰۲)</sup>.

یعنی: «هر کس در دنیا صورتگری کند در قیامت وادار به دمیدن روح در آن میشود در حالیکه توان دمیدن ندارد».

<sup>۱۰۱</sup> - بخاری (۵۹۵۴) مسلم (۲۱۰۷).

<sup>۱۰۲</sup> - بخاری (۵۹۶۳) مسلم (۲۱۱۰).



## مردان لعنت شده! ..... ۸۱

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید: «كُلُّ مُصَوِّرٍ فِي النَّارِ يَجْعَلُ لَهُ بِكُلِّ صُورَةٍ صَوْرَهَا نَفْسًا فَتُعَذِّبُهُ فِي جَهَنَّمَ»<sup>(۱۰۳)</sup>.

یعنی: «هر تصویرسازی در جهنم است، برای هر صورتی که ساخته است روحی قرار داده میشود که به واسطه ی آن روح در جهنم عذاب میشود».

ابن عباس رضی الله عنهما میگوید: «إِنْ كُنْتَ لَا بُدَّ فَأَعْلًا فَاصْنَعِ الشَّجَرَ وَمَا لَا نَفْسَ لَهُ»<sup>(۱۰۴)</sup>.

یعنی: «اگر چاره ای جز این کار نداری، پس تصویر درخت و موجودات بیجان را ترسیم کن».

عموم این احادیث دلالت بر تحریم تصویر جانداران دارد. اما کشیدن تصویر ازدرخت، دریا، کوه و چیزهایی شبیه آن همانگونه که ابن عباس گفته و صحابه به آن اعتراضی نکردند، ایرادی ندارد.

زیرا او این حکم را از گفتار پیامبر در احادیث وعید مانند «أَحْيُوا مَا خَلَقْتُمْ» «زنده کنید آنچه را خلق کرد اید» و «أَنْ يَنْفُخَ فِيهَا الرُّوحَ وَلَيْسَ بِنَافِخٍ» «وادار به دمیدن روح در آن میشود و توان دمیدن ندارد» فهمیده بود.

---

<sup>۱۰۳</sup> - بخاری (۵۹۵۴) مسلم (۲۱۰۷).

<sup>۱۰۴</sup> - بخاری (۲۲۲۵) - مسلم (۲۱۱۰).

## مردی که ابروهایش را باریک میکند

اولا اینکه چرا زدودن ابرو گناه است و مورد لعنت الله قرار میگیرد دلیلش اینست که پیامبر صلی الله علیه و سلم از این عمل نهی و لعن کرده و فرموده است: "لعن الله الواشمات والمستوشمات والنامصات والمتنمصات والمتفلجات للحسن المغيرات خلق الله" (۱۰۵).

یعنی: "الله لعنت کرده است کسی که خال کوبی میکند و آنکه خواهان خال کوبی کنند، و کسی که ابروها را باریک میکند و آنکه خواهان باریک کردن آنهاست، و کسی که بین دندانها به منظور زیبایی فاصله می افکند، اینها کسانی هستند که آفرینش الله را دگرگون میکنند".

و دلیل اینکه چرا زدودن ابرو از تغییر خلقت الله محسوب میشود اینست که در اصل خلقت بشر ابرو وجود دارد و الله ابروی هر شخصی را بطور معینی شکل داده و آفریده، لذا تغییر دادن آن بمثابه تغییر خلقت و آفرینش خداوند هست.

## مردی که ریش خود را میتراشد

اولا لازم به تذکر است که امر الله و پیامبرش صلی الله علیه و سلم را نباید بر اساس عقل و منطق قبول کرد و یا رد کرد، بلکه فرمان الله و پیامبرش صلی الله علیه و سلم را مطلقا باید قبول کرد چه حکمتش را بدانیم و چه ندانیم، الله میفرماید: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا...﴾ (الحشر: ۷).

یعنی: «و هر چه پیامبر به شما بدهد، آن را بگیرید و هر چه شما را از آن منع کند پس، از آن باز ایستید».

و میفرماید: ﴿...أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ...﴾ (النساء : ۵۹)

یعنی: " الله را اطاعت نمائید و رسول را اطاعت نمائید "

اما در مورد حکم گذاشتن ریش برای مردان، رأی جمهور و اکثریت علماء و رأی راجح بر اینست که ریش را نباید دست زد بلکه بحالت خودش باید رها کرد زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است که: "خالقوا المشركين، وفروا للحی، وأحفوا الشوارب" یعنی: "با مشرکین مخالفت ورزید، ریش بگذارید، و سبیل ها را بچینید". و میگویند که تیغ زدن ریش حرام میباشد و فاعل آنرا گناهکار میدانند، و بعضی از این علماء فاعل آنرا فاسق میدانند و اگر بطور مستمر ریش را بتراشد او را مرتکب گناه کبیره میدانند.

مفتی شفیع می گوید: هر شخصیکه همیشه ریش خود را بتراشد، وی زندیق از دنیا می رود. زیرا محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم بر گذاشتن ریش امر نموده و تمام پیامبران و سلف ریش داشته اند.

### ریش تراش بدن که تراشیدن ریش:

- تغیر آوردن در خلقت الله سبحانه و تعالی میباشد.
- مخالفت امر و سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم میباشد.
- مشابحت نمودن با آتش پرستان میباشد.
- مشابحت با زنان میشود.

- آشکار کردن گناه (پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید: هیچ جرمی بالاتر از این نیست که گناهی را نزد مردم انجام دهی و به آن افتخار کنی).
- اصرار و همیشگی بر گناه.



### مردی که مسلمان را ناحق به قتل میرساند

هرکس که برادر مسلمان خود را به قتل برساند همیشه از رحمت الله سبحانه و تعالی دور بوده و در پیشانی اش در روز محشر نوشته می باشد به روایت ترمذی و نسائی که اسناد ایشان درست است و پیامبر صلی الله علیه وسلم گفته است:

"مَنْ أَعَانَ عَلِيَّ قَتَلَ مُسْلِمًا وَأَلُو بِشَطْرِ كَلِمَةٍ لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ".

"هرکس بر کشتن مسلمانی کمک و اعانت کند اگرچه با یک نیمه کلمه باشد در حالی که الله را ملاقات می کند که بر پیشانی وی نوشته شده: او از رحمت خداوند نومید و مأیوس است".

الله سبحانه و تعالی میفرماید: ﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا﴾ (مائده ۳۲). یعنی: هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته باشد.

و از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «أول ما يقضى بين الناس في الدماء»<sup>(۱۰۶)</sup>.

یعنی: «اولین چیزی که درباره آن (در قیامت) بین مردم قضاوت می شود خون های ریخته شده است».

و الله متعال هشدار به عذاب جاودان قاتل داده است، چنانکه می فرماید: ﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءُوهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَعَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾ (نساء ۹۳).

یعنی: و هر کس، فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است؛ در حالی که جاودانه در آن می ماند؛ و خداوند بر او غضب می کند؛ و او را از رحمتش دور می سازد؛ و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است.

## **کسی بدنبال شهوت رانی، زنانی را بگیرد و سپس آنان را طلاق دهد**

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید: «لعن الله كل ذواق، مطلق»<sup>(۱۰۷)</sup>.  
یعنی: «الله لعنت و نفرین کند هرکسی که در پی شهوت رانی است و برای لذت ذایقه خویش، زنان را بسیار طلاق می دهد یعنی پیوسته یکی را طلاق داده و دیگری را عقد می کند».

<sup>۱۰۶</sup> - بخاری (۸۸۶۴)، مسلم (۱۶۷۸).

<sup>۱۰۷</sup> - رواد الطبرانی وفیه راو لم یسم وبقیة إسناده حسن، جمع الزوائد (۴/۶۱۷).

زیرا طلاق کفران نعمت الله است. چه ازدواج خود یکی از نعمتهای الله است و طلاق این پیوند را بهم می زند. بدیهی است که کفران نعمت الله حرام است و حلال نیست مگر اینکه ضرورت و اضطرار پیش آید. یکی از راههای ضرورت نیاز به طلاق اینست که شوهر از رفتار زنش مشکوک گردد یا اینکه قلبا هیچگونه تمایلی و علاقه ای با زنش نداشته باشد چون تغییر و تحول در قلب ها تنها در دست خداوند است و کسی را بر آن دست نیست.

## **مردی که در حرم کج روی کند، و همچنان مردی که طریقه های جاهلیت را انتخاب نماید**

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: «أُبْعَضُ النَّاسَ إِلَى اللَّهِ ثَلَاثَةً: مُلْحِدٌ فِي الْحَرَمِ، وَمُبْتَغٍ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ، وَمُطَلَّبٌ دَمَ امْرَأٍ بِعَيْرِ حَقِّ لِيُهْرَبِقَ دَمَهُ»<sup>(۱۰۸)</sup>.

یعنی: ابن عباس رضي الله عنهما می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «مبعوض ترین مردم نزد خداوند سه گروه اند: نخست، کسانی که در حرم، ستم و الحاد کنند. دوم: کسانی که در اسلام بدنبال احیاء ارزشهای دوران جاهلیت باشند. سوم: کسانی که به ناحق در صدد کشتن دیگران برآیند».

متأسفانه امروز مردم خیلی از امور جاهلیت و بدتر از جاهلیت را در زندگی روز مره خویش انجام میدهند مثلاً: بدفالی از عادات جاهلیت و یکی از عادات قبیح آل فرعون بود که متأسفانه مردم افغانستان دچار آن شده اند و اگر در تجارت فایده

نکردند می گویند فلان شخص بی برکت بود وفلان شخص چنین بود که ما چنین شلم.

## مردی که نکاح حلاله را انجام میدهد

نکاح تحلیل عبارت است از حلال گرداندن نکاح زنی که طلاق سوم داده شده برای همسر اولش که او را سه طلاقه کرده است؛ به این ترتیب که زنی که سه بار طلاق داده شده است با مرد دیگری توافق میکند که با او ازدواج و آمیزش کند ولی سپس او را طلاق دهد تا بتواند به شوهر اول برگردد، و از آنجای یکه در این نوع ازدواج در واقع نوعی مکر و حيله بکار گرفته شده است و ازدواج بر روال طبیعی نیست، کسی که این کار را میکند ملعون است.

و حکم اینست که اگر مرد زن خود را برای بار سوم طلاق داد، دیگر نمی تواند زن مطلقه ی خود را بر خلاف ( طلاق اول و دوم زن خود) نزد خود بازگرداند، و بلکه اگر طلاق سوم نیز جاری گشت دیگر زن بر مرد حرام است مگر اینکه زن با اختیار خود با مرد دیگری ازدواج کند بعد با سببی طبیعی از آن مرد جدا گردد ( بدون اینکه قبل از نکاح توافقی بر جدایی صورت گرفته باشد) در آنصورت زن که دوباره از شوهر دوم خود جدا گشته است، می تواند با شوهر اول خود دوباره ازدواج کند و این حکم اسلام است چنانکه الله تعالی می فرماید: ﴿فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا نِكَاحَ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّىٰ تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ﴾ (البقرة: ۲۳۰).

یعنی: «اگر زن را ( برای سوم بار ) طلاق داد برایش حلال نیست؛ مگر آن که با شوهری دیگر ازدواج کند».

به عبارتی؛ (پس از طلاق سوم دیگر آن زن برای او حلال نیست تا اینکه با شوهری غیر از او ازدواج کند و با روشی معمولی از شوهر دوم جدا گردد یا شوهر دوم فوت کند).

یعنی اگر شوهر برای بار سوم زن خود را طلاق داد، سپس بصورت توافقی با مرد دیگری چنین کنند که زن مطلقه به نکاح آن مرد دوم دربیاید سپس بعد از آمیزش مرد با زن، زن را طلاق دهد تا زن بتواند با شوهر اول خود دوباره ازدواج نماید، را نکاح محلل گویند که این نکاح جایز نیست و حرام است.

زیرا بنا به حدیث صحیح داریم که؛ «لعن رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم المحلل و المحلل له».

«پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم محلل (حلال کننده زنی که سه طلاق شده) و محلل له (مردی که زن برایش حلال شده - شوهر اول) را لعنت کرده است»<sup>(۱۰۹)</sup>.

و پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «لعن الله المحلل و المحلل له».

الله محلل و کسیکه برای او محلل گرفته میشود یعنی شوهر اولی، هر دو را نفرین کرده است. بروایت ترمذی که آن را حسن صحیح دانسته است.

این نوع ازدواج گناهی کبیره و عملی زشت است، و به هیچ صورت جایز نمیشد، چه هنگام عقد یا قبل از آن، این شرط را کرده باشند، و یا اینکه یکی از

<sup>۱۰۹</sup> - (أبو داود و احمد و النسائی و الترمذی و ابن ماجه).



آنها در دل نیت این کار را داشته باشد، در هر صورت انجام دهنده آن ملعون است.

از عقبه بن عامر رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: (ألا أخبرکم بالتیس المستعار؟ قالوا : بلی یا رسول الله، قال : هو المحلل، لعن الله المحلل و المحلل له) (۱۱۰).

یعنی: «آیا شما را از بز نر به کرایه گرفته شده خبردار کنم؟ گفتند بله ای رسول الله، فرمود : او محلل است، الله محلل و محلل له را لعنت کرده است».

از عمر بن نافع از پدرش رضی الله عنه روایت است: (جاء رجل إلى ابن عمر رضی الله عنهما فسأله عن رجل طلق امرأته ثلاثاً، فتزوجها أخ له من غیر مؤامرة منه لیحلها لأخیه، هل تحل للأول؟ قال : لا، إلا نکاح رغبة، کنا نعد هذا سفاحاً علی عهد رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم) (۱۱۱).

«مردی نزد ابن عمر رضی الله عنه آمد و از او درباره مردی سؤال کرد که همسرش را سه بار طلاق داده است و یکی از برادران (دینی اش) بدون داشتن هیچ حيله و نقشه ای او را به ازدواج خود درآورده تا او را برای برادرش حلال کند آیا (این زن) برای (شوهر) اول حلال میشود؟ ابن عمر گفت: نه، مگر اینکه ازدواج از روی میل و رغبت (و بدون قصد تحلیل) باشد؛ چون ما در زمان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم این کار را زنا به حساب می آوردیم».

۱۱۰ - [صحیح ابن ماجه ۱۵۷۲] وحسنه الألبانی فی صحیح سنن بن ماجه.

۱۱۱ - [الإرواء ۳۱۱/۶].

پس با توجه بدین نصوصی که گذشت اینگونه ازدواج صحیح نیست و باطل است و حکم عقود فاسد دارد. پس محلل با این نکاح محصن نمیشود، چون زنا است وزن پس از طلاق وی برای شوهر قبلی مباح نخواهد شد. زیرا لعن و نفرین در مورد انجام عملی صورت میگیرد، که آن عمل از نظر شریعت جایز نباشد. بنابراین با این ازدواج، زن برای شوهر اولی حلال نمیگردد. حتی اگر در هنگام اجرای صیغه عقد، سخنی از تحلیل نباشد و آن را شرط نکنند باز هم درست نیست چون نیت و قصد معتبر است و مادامکه چنین قصدی در بین بوده باشد، صحیح نیست.

علامه ابن قیم فرموده است: اهل حدیث و اهل مدینه و فقهای مدینه، میگویند خواه تحلیل و محلل بودن را در ضمن عقد شرط کنند یا فقط بر آن موافقت کنند و آن را در نیت داشته باشند و بدان تصریح نکنند، هیچ فرقی نمیکند چون در عقود آنچه که معزیر است، قصد و نیت است، و شرطیکه قبلاً طرفین عقد بر آن توافق کنند و با توجه بدان وارد عقد شوند، درست مانند آنست که در هنگام عقد آن شرط را کرده باشند. و آنچه که از الفاظ اراده میشود، معانی آنها است نه خود آنها و در این صورت معانی آن الفاظ حاصل است، پس الفاظ چیزی نیستند، جز وسایل و ابزار، هرگاه هدف و غایات از آنها حاصل باشد، احکام بر آن مرتب است. پس چگونه گفته میشود، که این ازدواج سبب میشود که زن برای شوهر اولی آن حلال گردد، با اینکه در ازدواج برای محلل قصد موقت بودن در بین بوده است و قصد ادامه معاشرت و آمیزش و قصد حفظ نسل و تربیت و پرورش فرزندان و اهداف دیگر ازدواج شرعی، در بین نیست؟. این ازدواج صوری و ظاهری بی محتوی و دروغ

است و خیانتی است که هرگز خداوند بدان راضی نیست و در هیچ دینی آن را برای هیچ کس مباح نساخته و مفسد و مضاران بر هیچ کس پوشیده نیست.

ابن تیمیه می فرماید: دین الله پاکتر و برتر از آن است که زنی را بر مردی حرام کند، و آنگاه مردم بیایند و مرد دیگری را همچون فعلی به عاریه گیرند و زن را در اختیار او قرار دهند، مردیکه آنان، در حقیقت نمیخواهند، زن را به عقد ازدواج او درآورند و وی را به دامادی خود بپذیرند و او با آن زن زندگی را بعنوان شوهر تا آخر عمر با وی بسر برد، بلکه تنها منظور ایشان از اینکار این است، که چنین مردی بر آن زن بجهد و با او همبستر شود، و بدین وسیله آن زن برای شوهر نخستین حلال گردد!! این را جز زنا نمیتوان نام نهاد، همانگونه که اصحاب پیغمبر آن را چنین نام نهاده اند. راستی چگونه یک عمل حرام موجب حلال شدن چیز دیگری میشود؟ چگونه چیزیکه خود آلوده است، موجب پاکی چیز دیگری، میشود، و چیزیکه خود نجس و ناپاک است چیز دیگری را پاک میکند؟

بر کسی که الله، اسلام و نور ایمان را، در قلبش جای داده باشد، پوشیده نیست که این عمل تحلیل، از زشت ترین زشتی هاست، که هیچ عاقلی آن را بخود روا نمیند، تا چه رسد به شریعت انبیاء بویژه شریعت بزرگترین و برترین انبیاء که عالیترین شریعت است. (پایان سخن ابن تیمیه)

براستی حق نیز چنین است و مذهب مالک و احمد و ثوری و اهل ظاهر و حسن و نحعی و قتاده و لیث و ابن المبارک هم همینطور است

اما حقیقت آنست که ازدواج محلل ناجایز است و آنچه که امام ابوحنیفه رحمه الله بر آن فتوا داده است صحیح نیست و لذا نباید در این امر از او تقلید یا پیروی جست زیرا رای او راجح نیست.

اما اینکه ایشان بدان فتوا داده اند، دلیل بر این نخواهد بود که مشمول لعنت شوند والعیاذبالله

بلکه ایشان در اثر اجتهاد و تلاش خود بر کشف رای صحیح به این فتوا رسیده اند که البته صحیح نیست و شاید ایشان حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم را یا نشنیده باشند یا آنرا ضعیف پنداشته بودند و الله اعلم، و می بینیم که ایشان نکاح تحلیل را مکروه دانسته اند و حتی ابویوسف شاگرد امام ابوحنیفه رای استاد خود را (در جواز آن) قبول ندارد.

از سویی پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرمایند: (إذا حکم الحاکم فاجتهد ثم أصاب فله أجران، وإذا حکم فاجتهد ثم أخطأ فله أجر) «هرگاه حاکم از روی اجتهاد حکمی را صادر کند و حکمش مطابق حق شود، دو اجرا دارد و اگر از روی اجتهاد حکمی را صادر کند و دچار اشتباه شود یک اجرا دارد». متفق علیه لذا بر اساس این فرمایش رسول الله صلی الله علیه وسلم امام ابوحنیفه رحمه الله حتی با وجود رای نادرست در این قضیه یک ثواب را نیز نصیب خود کرده اند زیرا ایشان چنین اجتهاد کرده اند و اگر اجتهادشان درست می بود دارای دو ثواب می شدند.

لذا کسی حق ندارد بر علمای امت از روی جهل خرده بگیرد و مورد حمله قرار دهد بلکه شایسته است که پیروان امام ابوحنیفه رحمه الله تعالی را از آن رای ناصواب آگاه کرد تا در آن مسئله تابع سر مذهب خود نباشند.

### مردی که شغار (نکاح بدلک) میکند

کسی دختر یا خواهر خود و یا دختری که سرپرستی او را که به عهده دارد به ازدواج کسی دیگر درآورد به شرط اینکه او هم دختر، خواهر، خواهرزاده و... خود را به ازدواج او یا پسرش یا برادرزاده اش درآورد، و این نوع ازدواج فاسد و حرام هست، خواه مهریه برای آن ذکر شده باشد یا خیر، زیرا از ابن عمر رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: " أن النبی صلی الله علیه و سلم نھی عن الشغار"<sup>(۱۱۲)</sup>.

یعنی: "پیامبر صلی الله علیه و سلم از نکاح شغار نهی کرد"، و در صحیح مسلم از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم از نکاح شغار نهی کرد و فرمود شغار این است که مردی، به مردی دیگر بگوید: "زوجنی ابنتک و أزوجک ابنتی، أو زوجنی أختک و أزوجک أختی"<sup>(۱۱۳)</sup>.

یعنی: «دختر را به ازدواج من در بیاور، تا من (در مقابل)، دخترم را به ازدواج تو درآورم، یا خواهرت را به ازدواج من در بیاور تا من هم (در مقابل) خواهرم را به

---

<sup>۱۱۲</sup> - (متفق علیه).

<sup>۱۱۳</sup> - روایت مسلم ۱۴۱۶/۱۰۳۵/۲).

ازدواج تو درآورم»، و در حدیثی دیگر فرمودند: «لاشغار فی الإسلام»<sup>(۱۱۴)</sup>.  
یعنی: «در اسلام شغار نیست».

لذا، این احادیث صحیح دلالت میکند بر این که نکاح شغار حرام، فاسد و مخالف شرع و قانون خداوند است و پیامبر صلی الله علیه و سلم بین نکاح شغاری که در آن مهریه ذکر شده باشد و نکاحی که اسمی از مهریه به میان نیامده باشد تفاوتی قایل نشده است.

## **مردی که برای خود دعای هلاکت میکند و روی خود را میخراشد**

«عن أبي أمامه أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لعن الخامشة وجهها والشاقة جبيها والداعية بالويل والثبور».

یعنی: ابوامامه نقل نمود: که پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم نفرین کرد به فردی که در مصیبت، صورت خود را بخراشد یا یقه خود را چاک زند و کسی که واویلا بگوید<sup>(۱۱۵)</sup>.

## **مردی که رشوت می خورد و رشوت می دهد**

رشوه گرفتن از نظر آیات قرآن، احادیث پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم و اجماع امت حرام و ناجایز است.

<sup>۱۱۴</sup> - (روایت مسلم ۱۴۱۵ - ۲/۱۰۳۵/۶۰).

<sup>۱۱۵</sup> - (روایت مسلم ۱۴۱۶/۲/۱۰۳۵).

**تعریف رشوه:** آن چه به حاکم و یا یکی از مسئولین پرداخت می شود تا حق را زیر پا گذاشته و به ناحق حکم کند. در حدیث رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «لَعَنَ الرَّاشِيَّ وَ الْمُرْتَشِيَّ»<sup>(۱۱۶)</sup>.

یعنی: «رشوه دهنده و گیرنده هر دو ملعون هستند».

روایت شد که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده اند: «لَعَنَ الرَّائِشُ»<sup>(۱۱۷)</sup> یعنی: «کسی که میان رشوه دهنده و رشوه گیرنده وساطت می کند لعنت الله بر او است». کسی که در امر رشوه دلّالی می کند گناه کار است؛ زیرا بر گناه و تعدّی از دستورات خداوند همکاری می کند.

امام مسروق میگوید: قاضی هرگاه هدیه را قبول کند، حرامی را خورده است و هرگاه رشوه قبول کند به وسیلهی آن به کفر میرسد<sup>(۱۱۷)</sup>.

## مردی که ذبح لغیر الله میکند

متأسفانه چنین افراد ملعون در جامعه ما زیاد دیده میشود، وقتیکه کسی از حج می آید پیش روی آن ذبح میکنند، وقتیکه کسی عروسی میکند باز مرغی را ذبح میکنند و طیر موتر را خون آلود میکنند، یا اینکه نزدیک عید که میشود در مساجد نان می برند بنام این که «عید مرده» یا «شب مرده» است؛ حال اینکه همه اینها خرافات و بدعات و حتی شرک میباشد. وعن علي (رضي الله عنه) قال: حدثني

<sup>۱۱۶</sup> - جامع الاحادیث (۱۸۳۹۰).

<sup>۱۱۷</sup> - المغنی لابن قدامة ۸۲۶۷.

رسول الله (صلي الله عليه وسلم) بأربع كلمات: (لعن الله من ذبح لغير الله لعن الله من آوي لمن والديه لعن الله من آوي محدثا لعن الله من غير منار الارض) (۱۱۸).

یعنی: «علي (رضي الله عنه) گفت: که پیامبر صلي الله عليه وسلم چهار جمله را به من گفت: الله برکسي که براي غير او قرباني مي کند، وبر کسي که پدر و مادر خود را لعنت کند، وبر کسي که مجرمي را که مستحق عقاب است پناه دهد يا پشتيباني کند، ويا راه مردم رابسته و يا عوض نمايد لعنت مي فرستد».

الله به خليلش دستور ميدهد: ﴿قُلْ إِنْ صَلَّاتِي وَنُشُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الأنعام: ۱۶۲]

یعنی: «بگو نماز و عبادت و زندگی و مردم من از آن الله است که پروردگار جهانيان است».

نسک همان ذبیحه ای است که در اینجا با نماز ذکره شده است، یعنی همان طور که انسان برای غیر خدا نماز نمیگذارد، ذبح هم برای غیر الله نمیکند در سوره ی کوثر: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ» نیز نحر که یک عبادت است، با نماز متصلا ذکر شده است، یعنی قربانی فقط باید برای خدا صورت گیرد، و این عقیده که ذبح میتواند شیطان یا جن را دفع کند، عقیده باطل و شرک و همکاری با شیاطین است. از الله مسئلت داریم که ما را از اینگونه عقاید محفوظ بدارد.



## مردی که لواطت میکند

از جمله مردانی که مورد لعنت الله ورسول آن قرار گرفته اند کسانی اند که لواطت میکنند، ورسول الله صلی الله علیه وسلم در حق ایشان میفرمود: «ملعون من عمل عمل قوم لوط»<sup>(۱۱۹)</sup>.

یعنی: «ملعون است کسی که عمل قوم لوط را انجام می دهد».

عمل لواط (نزدیکی مرد با مرد) از بزرگترین گناهان است، و اگر کسی مرتکب این عمل شده باشد در حالی که بالغ و عاقل باشد، جزایش قتل است، چه ازدواج کرده باشد و چه نکرده باشد.

از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: "من وجدتموه يعمل عمل قوم لوط فاقتلوا الفاعل والمفعول به"<sup>(۱۲۰)</sup>.

یعنی: «هر کسی را یافتید که عمل قوم لوط را انجام داد، فاعل و مفعول را بکشید».

و در عمل لواط، علاوه بر کار فاحشه، خلاف فطرت بشر نیز میباشد، و برای همین نیز عقوبتش از عمل زنا بیشتر است، بصورتیکه کسی که این کار را انجام میدهد حکمش قتل است، و باید بالاترین نقطه شهر را در نظر گرفت و او را از آنجا پرت کرد و سپس با سنگ او را دنبال کرد، که شبیه عقوبت قوم لوط میشود، زیرا در مورد قوم لوط، ابتدا جبریل علیه السلام شهر آنها را از جا برکند و بالا برد و

<sup>۱۱۹</sup> - (رواه زرین).

<sup>۱۲۰</sup> - (صحیح ابن ماجه : ۲۰۷۵).

سپس آنها بصورت وارونه پرت کرد و پس از آن سنگ از آسمان بر سر آنها فرود آمد، خداوند متعال میفرماید: ﴿فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ مَّنصُودٍ﴾ (هود: ۸۲).

یعنی: «پس چون فرمان ما آمد» (بر وقوع عذاب) «آن شهر را زیر و زیر کردیم». (یعنی: شهر لوط و نواحی آن را چنان واژگون کردیم که بلندای آن زیرین آن شد و زیرین آن بلندای آن. به قولی: خداوند به جبرئیل فرمان داد که آن منطقه را به وسیله بال خود از زمین برداشته و با ساکنانش جملگی واژگون کند و او چنین کرد) «و بر آن، سنگ پاره‌هایی از سجیل لایه به لایه باراندم» (یعنی: بر آنها سنگ و گل پیایی، لایه به لایه، بعضی بر بالای بعضی دیگر باراندم)

و اگر در الفاظ قرآن کریم بنگریم، میبینیم که در مورد زنا کلمه "فاحشه" بکار گرفته شده که نکره است، در حالیکه در مورد قوم لوط کلمه "الفاحشه" ذکر شده که معرفه است، که بیانگر غلظت این گناه میباشد، و گناهش بزرگتر از عمل زنا هست، مثلاً خداوند متعال در مورد فعل زنا میفرماید: ﴿وَلَا تَقْرُبُوا الزَّوْجِيَّ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ (الإسراء: ۳۲).

یعنی: «و به زنا نزدیک نشوید هرآینه آن فاحشه است و آن بد راهی است» ولی در مورد عمل قوم لوط خداوند متعال میفرماید: ﴿وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّن الْعَالَمِينَ﴾ (الأعراف: ۸۰).

یعنی: و (فرستادم) لوط را (به رسالت) هنگامی که به قوم خود گفت: آیا آن فاحشه را مرتکب می‌شوید که هیچ کس از جهانیان در آن بر شما پیشی نگرفته

است؟» (یعنی: احدی قبل از شما آن را مرتکب نگردیده است؟ زیرا فعل لواط، قبل از آنان در میان هیچ امتی از امت‌ها شایع نبود).

و پیامبر بزرگوار صلی الله علیه وسلم می فرماید: «ملعون من عمل عمل قوم لوط، ملعون من عمل قوم لوط...»<sup>(۱۲۱)</sup>.

یعنی: «از رحمت الله بدور است کسی که عمل قوم لوط (لواط) را انجام می دهد» و این جمله را سه بار تکرار کردند».

و فرمود: «أخوف ما أخاف علي أمتي من عمل عمل قوم لوط». «هولناک ترین پدیده ای که از بروز آن در امتم می ترسم، عمل قوم لوط است»<sup>(۱۲۲)</sup>.

و فرمود: «أربعة يصبحون في غضب الله ويمسون في سخط الله» قال أبوهريرة - رضي الله عنه - من هم يا رسول الله؟ قال: «المتشبهون من الرجال بالنساء، والمتشبهات من النساء بالرجال، والذي يأتي البهيمة، والذي يأتي الرجال». «چهار کس مورد خشم و غضب الهی قرار می گیرند» ابوهریره گفت: ای پیامبر خدا، آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: «مردی که خود را شبیه به زن می سازد و زنی که خود را شبیه مرد می سازد و کسی که با حیوان عمل جنسی انجام می دهد و کسی که با مردان عمل لواط انجام می دهد»<sup>(۱۲۳)</sup>.

<sup>۱۲۱</sup> - (رواه حاکم).

<sup>۱۲۲</sup> - (روایت ابن ماجه و ترمذی).

<sup>۱۲۳</sup> - (روایت طبرانی و بیهقی).

## مجازات لواط

دانشمندان و فقها اسلامي اتفاق نظر دارند که لواط نیز زناست، اما در مورد حدود مجازات اختلاف نظر وجود دارد.

«البغوي» در این مورد می گوید: اهل علم در ارتباط با حد فرد لواط کار اختلاف نظر دارند، گروهی اعتقاد دارند که حد همان حد زناست اگر متاهل باشد، رجم می شود و اگر مجرد باشد، صد ضربه شلاق می خورد، این قول «اظهر» امام «شافعی» است.

گروهی معتقدند که لواط کار سنگسار می شود، چه مجرد باشد و چه متأهل، این نظر امام «مالک» و امام «احمد» و گفته دوم امام شافعی است که فرموده است: «فاعل و مفعول هر دو کشته می شود».

حنفی ها می گویند: تعزیر واجب است، این مجازات جهت ممانعت از ارتکاب جرم صورت می گیرد، چنانچه فرد لواط کار فعل مذکور را ترک نکرد، با شمشیر سر از بدنش جدا می شود.

نصوصی که بر وجوب کشتن فاعل و مفعول دلالت می کند:

جمهور فقها و مجتهدین اتفاق نظر دارند که باید فاعل و مفعول هر دو کشته شوند: «ترمذی»، «ابوداود» و «ابن ماجه» روایت می کنند که رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «من وجدتموه يعمل عمل قوم أهل لوط فاقتلوا الفاعل

والمفعول به». «كسي را يافتيد كه عمل قوم لوط را انجام مي دهد او را همراه با مفعول بكشيد»<sup>(۱۲۴)</sup>.

همچنين فرمود: «اقتلوا الفاعل والمفعول به، والذي ياتي البهيمه». «فاعل و مفعول عمل لواط و كسي را كه با حيوان نزديكي مي كند، بكشيد». (روايت بيهقي و ديگران).

### مردی که مال عیبی (دار) را بفروشد

عن واثلة بن الأسقع قال : سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول : " من باع عيبا لم ينبه لم يزل في مقت الله أو لم تزل الملائكة تلغنه " <sup>(۱۲۵)</sup>.

يعنى: «مردی که مال عیبی (دار عیب) را بفروشد و خبر ندهد (مشتري) را به عیب آن همیشه، وی میباشد در غضب الله یا اینکه همیشه ملائک او را مورد لعنت قرار میدهند».

متأسفانه امروزه اکثریت دوکان داران بر این عمل مبتلا هستند، و مال عیب دار را بالای دیگران می فروشند.

به زبیر بن عوام . رضی الله عنه . گفتند: این گشاده دستی (و وضعیت خوب مالی) را چگونه به دست آوردی؟

فرمود: هیچ سودی را رد نکردم و هیچ عیبی را نپوشاندم. <sup>(۱۲۶)</sup>

<sup>۱۲۴</sup> - عبارات فوق از کتاب «الترغيب و الترهيب» نقل شده است باب الترهيب من اللواط، ج ۴، ص ۳۲۵.

<sup>۱۲۵</sup> - رواه ابن ماجه.

<sup>۱۲۶</sup> - (الأداب الشرعية).

یعنی: اگر در تجارتی سودی به او می‌رسید به سبب کم بودنش از آن نمی‌گذشت و با پوشاندن عیب یک جنس، خریدار را فریب نمی‌داد.

## **مردانی که قبور را کج، چونه، سمت و مزین و حتی آنها را از زمین بلند می‌سازند**

رسول الله صلی الله علیه وسلم از ساخت و ساز قبر منع نموده و هر قبری که بلند تر از زمین باشد ممنوع قرار داده است، و نوشتن بالای قبور و نشستن بالای قبور نیز حرام است.

از ابو الهیّاج روایت است که می‌گوید: علي رضي الله عنه به من گفت: آیا تو را برای انجام کاری که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم مرا برای انجام آن فرستاده بود، نفرستم؟ رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم، فرمود: «لا تدع صورةً إلا طَمَسْتَهَا وَلَا قَبْرًا مُشْرِفًا إِلَّا سَوَيْتَهُ».<sup>(۱۲۷)</sup>

«هیچ تصویری را نگذار مگر آنها نابود کن و هیچ قبر مرتفعی نگذار مگر آنها با خاک مساوی کن».

علمای احناف گفته اند: پخته کردن قبر و قُبّه بستن بر آن و پرچم بلند کردن و چادر بر او انداختن همه حرامست و بدعت.<sup>(۱۲۸)</sup>

---

<sup>۱۲۷</sup> - رواه مسلم.

<sup>۱۲۸</sup> - (فتاوی رشیدیة ص ۱۱۲ و امدادیة و فتاوی دارالعلوم و احسن الفتاوی و فتاوی عزیزي و فتاوی لکنوی و غیره).

## مردی که نزدیک قبور نماز میخواند

شریعت ساختن مسجد بر قبور صالحین و نماز خواندن نزد آنها را حرام دانسته است:

احادیث متعددی بر تحریم و هشدار در این مورد آمده است؛ از جمله: ابوهریره رضی الله عنه می گوید: «قَاتَلَ اللَّهُ الْيَهُودَ اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ» (الله یهود را نابود کند، زیرا قبور پیامبرانشان را مسجد کردند) .

رسول صل الله علیه و سلم فرموده اند: «أَلَا وَإِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ كَانُوا يَتَّخِذُونَ قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ وَصَالِحِيهِمْ مَسَاجِدَ أَلَا فَلَا تَتَّخِذُوا الْقُبُورَ مَسَاجِدَ إِنِّي أَنهَاكُمُ عَنْ ذَلِكَ» (آگاه باشید کسانی قبل از شما قبر پیامبران و صالحان را می پرستیدند آگاه باشید که قبرها را مسجد قرار ندهید من شما را از آن نهی کردم).<sup>(۱۲۹)</sup>

عایشه رضی الله عنها گفته است: لَمَّا اشْتَكَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَكَرَتْ بَعْضُ نِسَائِهِ كَنِيْسَةً رَأَتْهَا بِأَرْضِ الْحَبْشَةِ ، يُقَالُ لَهَا : مَارِيَةُ ، وَكَانَتْ أُمُّ سَلَمَةَ وَأُمُّ حَبِيْبَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَتْنَا أَرْضَ الْحَبْشَةِ ، فَذَكَرْنَا مِنْ حُسْنِهَا وَتَصَاوِيرِ فِيهَا ، فَزَفَعَ رَأْسَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَالَ : «أُولَئِكَ إِذَا مَاتَ مِنْهُمْ الرَّجُلُ الصَّالِحُ بَنَوْا عَلَيَّ قَبْرَهُ مَسْجِدًا ، ثُمَّ صَوَّرُوا فِيهِ تِلْكَ الصُّوْرَةَ أُولَئِكَ شِرَارُ الْخَلْقِ عِنْدَ اللَّهِ» : (هنگامی که رسول الله صل الله علیه و سلم مریض شد یکی از زنانش درباره ی کلیسایی که در حبشه دیده بود صحبت کرد، نام آن کلیسا ماریه بود، و ام سلمه و ام حبیبه رضی الله عنها از کسانی بودند که به سرزمین حبشه رفته بودند، آن دو از

زیبایی و تصاویر آن کلیسا صحبت کردند، آنگاه پیامبر صل الله علیه و سلم سرش را بالا آورد و فرمود: آن ها کسانی هستند که اگر شخص صالحی در بینشان فوت می کرد بر روی قبرش مسجد بنا می کردد، سپس در آن مسجد آن تصاویر را رسم می کردند، آن ها بدترین مخلوقین نزد الله متعال هستند). (۱۳۰)

رسول صل الله علیه و سلم در بیماری که دار فانی را وداع کرد، فرمود: «لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى، اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ»: (الله یهود و نصاری را لعنت کناد! که قبر پیغمبران خود را به مسجد نمودند). (۱۳۱)

از آنجا که این لعن و هشدار، در سكرات موت رسول صل الله علیه و سلم صادر شده است، دلالت دارد که این حکم منسوخ نشده است.

ابن مسعود رضی الله عنه در حدیثی مرفوع روایت کرده است: (مِنْ شِرَارِ النَّاسِ مَنْ تُدْرِكُهُمُ السَّاعَةُ وَهُمْ أَحْيَاءُ، وَ مَنْ يَتَّخِذُ الْقُبُورَ مَسَاجِدَ): (از شرورترین مردمان آنانند که هنگام برپایی قیامت، زنده اند؛ و کسانی که قبرها را مسجد ساخته اند) احمد، و شیخ آلبنانی : با در نظر داشت همه - ی سندها آن را صحیح دانسته است.

همین احادیث بر تحریم ساخت عبادتگاه بر قبرِ صالحین و دیگران، کفایت می کند. بلکه دلالت بر کبیره بودن این گناه دارد. چرا که مرتکب آن مستحق لعنت می شود و از شرورترین انسان های روز قیامت خواهد بود.

---

۱۳۰ - رواه مسلم.

۱۳۱ - رواه مسلم.



## مردی که طرف نامحرم می بیند

وعن الحسن مرسلًا قال : بلغني أن رسول صلى الله عليه وسلم قال : "لَعَنَ اللهُ النَّاطِرَ وَالْمِنْظُورَ" (۱۳۲).

یعنی: «لعنت الله بر نگاه کننده و نگاه شده باد».

سلمان فارسی می گوید: بمیرم و سپس زنده شوم و پس از آن بمیرم و زنده شوم و دوباره بمیرم و زنده شوم دوست داشتنی تر است نزد من از اینکه عورت مسلمانی را ببینم و یا آنکه عورتم را ببیند. (۱۳۳)

شریعت پاک اسلام ما را راهنمایی کرده برای آنکه به گناه نیافتیم، از مقدمات آن گناه پرهیز کنیم. زیرا شیطان می کوشد تا اندک اندک انسان را به سمت گناه اصلی بکشاند، از اینرو سعی دارد تا ابتدا او را به مقدمات گناه مبتلا کند. مثلاً نگاه به نامحرم مقدمه ای برای گناه زنا است، پس کسی که این مقدمه را فراهم نکند، از گناه زنا نیز دور تر می شود، و هکذا در بقیه گناهان...

قال الحجاوي رحمه الله: «فضول النَّظَرِ أصلُ البلاءِ لِأَنَّهُ رسولُ الفرجِ». (۱۳۴)

امام حجاوي رحمه الله فرمود: «چشم چرانی اساس و ریشه بلاء است چرا که آن فرستاده فرج است».

---

۱۳۲ - حدیث الحسن المرسل: أخرجه البيهقي (۹۹/۷، رقم ۱۳۳۴۴).

حدیث ابن عمر: أخرجه الديلمي (۴۶۵/۳، رقم ۵۴۴۱).

قال الشيخ الالباني: حدیث ضعيف، مشكاة برقم: ۳۱۲۵.

۱۳۳ - الزهد لأحمد (۸۳۵).

۱۳۴ - «غذاء الألباب» (ص: ۱۲۵).

## مردان لعنت شده!..... ۱۰۶

چشم چرانی یکی از تله‌ها و دام‌های شیطان برای گمراه کردن و از راه بی‌راه کردن است که امروزه در میان جوانان زیاد مشاهده می‌شود زنانی که عفت و حجاب خود را از دست داده‌اند و برای گمراه کردن جوانان خود را در خیابان و کوچه‌ها آرایش و تزئین می‌کنند.

امام مجاهد رحمه الله میفرماید: فرو بردن چشمان از نظر بسوی نامحرم محبت الله متعال را به میراث میگذارد.

همچنان امام ابن قیم رحمه الله میفرماید: فرو بردن چشمها از نظر بسوی زنان نامحرم برای قلبت قوت، شجاعت و فراست بخشیده و باعث فراحی سینه‌ات میگردد. (۱۳۰)

یکی از زنان بر شیخی اعتراض کرد که: چرا همیشه شما زنان را بطرف حجاب دعوت می‌دهید؟ لیکن برای مردان چیزی نمی‌گویید؟

شیخ در جوابش گفت: آیا نزدت ظرفی از غسل باشد، و در اطراف آن مگس‌ها جمع شوند، چه خواهی کرد؟

زن گفت: ظرف را با چیزی می‌پوشانم!

پس اینگونه است که هرگاه محاسن خود را پوشانیدی، پس مگس‌ها از اطرافت دور می‌شوند.

ابن قیّم می گوید: دیدن طرف شخص نامحرم چهل نقصان و ضرر را برای انسان می‌رساند، یکی آن اینکه هرکس طرف نامحرم ببیند الله فرد دیگری را پیدا میکند که طرف مادر و خواهر این فرد ببیند.

## مردی که حیوانات را بغاطر شوخی هدف قرار میدهد

متأسفانه مردانی هستند که این کار احمقانه را میکنند و پرنده ها را (نه بخاطر شکار که سپس بخورند) با تیر و نیز می زنند، یا در بعضی مناطق دهاقین پرنده ها را آتش میزنند. در حدیث صحیح می آید که: «رسول الله صلی الله علیه وسلم لعنت کرده است کسی را که پرنده ی را هدف تیرخود قرار دهد».

از انس رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت است که «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنْ تُصَبَّرَ الْبَهَائِمُ». (۱۳۶)

یعنی: «پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم از این که حیوانات با تیر بخاطر نشانه زدن زده شوند نهی کرده است».

در حدیثی دیگر از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم روایت است که فرمود: «لَا تَتَّخِذُوا شَيْئًا فِيهِ الرُّوحُ غَرَضًا». (۱۳۷)

یعنی: «چیزی که روح دارد و زنده است، نشانه قرار ندهید».

---

۱۳۶ - بخاری ۵۵۱۳ و مسلم ۱۹۵۶.

۱۳۷ - مسلم ۱۹۵۸، ۱۹۵۷.

## مردی که به دنیا علاقه بیشتری نشان می دهد

عن أبي هريرة عن النبي صلى الله عليه وسلم: " لعن عبد الدينار ولعن عبد الدرهم". (۱۳۸)

یعنی: «رسول الله صلى الله عليه وسلم لعنت کرد بنده دینار و درهم را (بنده‌ی است که با دنیا دوستی میکند)».

از دیگر مواردی که سبب شده که عظمت و شوکت مسلمانان عصر ما از بین برود و آنها را به مسلمانانی بی ارزش تبدیل کند، محبت و علاقه دنیا در قلوب بسیاری از آنها می باشد. رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: " إِنَّ لِكُلِّ أُمَّةٍ فِتْنَةٌ، وَإِنَّ فِتْنَةَ أُمَّتِي الْمَالُ" (۱۳۹).

یعنی: برای هر قومی فتنه‌ای آمد - و آنها را تباه ساخت-، فتنه امت من مال می باشد.

براستی همین طور است، محبت دنیا و علاقه به متعلقات دنیوی، سبب شده که فکر آخرت و روز قیامت در اذهان مسلمانان کم‌رنگ گردد و سفر آخرت را بسیار دور و دراز تصور نمایند، به همین جهت برای به دست آوردن متاع دنیوی تمام وقت خویش را صرف می نمایند و به همان اندازه از راه حق و حقیقت و از رضایت الله و رسول دور می شوند.

---

۱۳۸ - رواه الترمذی، ضعیف - المشكاة ۵۱۸۰ / التحقیق الثانی (ضعیف الجامع الصغیر ۴۶۹۵).

۱۳۹ - (مسند احمد) (۱۷۴۷۱).

بسیار جای تعجب است برای افرادی که خود را پیرو رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌دانند، اما با شدت و علاقه فراوانی برای چیزی تلاش می‌نمایند که رسول الله صلی الله علیه وسلم از دچار شدن به آن و فریب خوردن آن هشدار داده است. این چه نوع اتباع و محبت است که در هیچ چیزی هشدار های محبوب گرامی در نظر گرفته نمی‌شود.

ولی اگر یاران رسول الله صلی الله علیه وسلم را بنگریم، آنها به دنیا نمی‌اندیشیدند، تمام هم و غمشان آخرت بود، لحظه‌ای در به دست آوردن رضای اوتعالی تأخیر نمی‌کردند و هر آنچه سبب تقرب بیشتر آنان به بارگاه الهی می‌گشت، بدون معطلی انجام می‌دادند، اما مسلمانان عصر ما، هر آنچه را سبب دوری از اوتعالی است، بعضاً به نام دین انجام می‌دهند و خوشحال‌اند که از امت محمدی هستند!

شیخ عبدالعزیز طریفی فک الله اسره می‌گوید: «بزرگترین سببی که مردم را از جهاد کردن منع و سست می‌کند...

دوست داشتن دنیا و ترس از دست دادن آن است .

و هرچقدر دل انسان به دنیا علاقه و وابستگی داشته باشد به همان اندازه از جهاد، ترس و نفرت خواهد داشت و از آن فاصله می‌گیرد<sup>(۱۴۰)</sup>.

## **اقوال ائمه اهل علم پیرامون قباحه دوستی دنیا**

سلف صالح می‌گفتند الله دنیا را بخاطر ما خلق نموده است و ما را بخاطر آخرت..

<sup>۱۴۰</sup> - [التفسیر و البیان (۲/۸۹۶)].

امام ابی داوود رحمه الله (صاحب سنن) میگویند: مجالس امام احمد ابن حنبل رحمه الله، مجالس آخرت بود، چیزی از امور دنیا یادآوری نمیکردند، و اصلاً مشاهده نکردیم که از دنیا یاد می کنند<sup>(۱۴۱)</sup>.

امام حسن بصری رحمه الله می فرماید: «تمام دنیا از اول تا آخر آن همانند مردی است که اندکی به خواب می رود و در آن، آنچه دوست دارد را می بیند سپس از خواب بیدار می شود».

امام ابن قیم می گوید: دنیا همانند دره ای است یا به سوی بهشت خواهی رفت یا بسوی جهنم.

به علی بن ابی طالب رضی الله عنه گفتند: دنیا را بر ایمان توصیف کن.

فرمود: مفصل بگویم یا مختصر؟ گفتند: مختصر بگو.

فرمود: «حلالش حساب است و حرامش آتش!»<sup>(۱۴۲)</sup>.

فضیل بن عیاض رحمه الله میگوید: داخل شدن در دنیا آسان است، رهایی از آن سخت است<sup>(۱۴۳)</sup>.

سلف می گفتند: "چنین بودیم ، اگر نماز را شروع می کردیم دنیا را نیز با کفشهایمان بیرون می آوردیم"

---

<sup>۱۴۱</sup> - (سیر اعلام النبلاء).

<sup>۱۴۲</sup> - [الزهد لابن ابی الدنيا].

<sup>۱۴۳</sup> - [موسوعة ابن أبي الدنيا: (۵/۱۱۵)].

یعنی که دنیا را نیز مانند کفشها از قلب خود بیرون می آوردم و غرق تفکر در نماز می شدم..

آیا ما چنین هستیم؟... الهی! این حب و شوق نماز و اخلاص را در دلهايمان قرار بده..

عارفی به شاگردانش گفت: بر سر دنیا کلاه بگذارید...! پرسیدند: چگونه؟  
فرمود: نان دنیا را بخورید ولی برای آخرت کار کنید...!

### **مردی که لباس زنانه را به تن می کند**

نباید زنان لباس مردانه بپوشند و همچنین برای مردان نیز درست نیست که البسه ي زنانه به تن نمایند. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده است: «لعن رسول الله صلی الله علیه وسلم الرجل یلبس لیسة المرأة، والمرأة تلبس لیسة الرجل»<sup>(۱۴۴)</sup>.

یعنی: «رسول الله صلی الله علیه وسلم مردی را که لباس زنانه بپوشد و زنی را که لباس مردانه بپوشد، لعنت نمود».

پوشیدن لباس زنانه خواه بخاطر شوخی و یا بخاطر هرچیزی دیگری که هم باشد، حرام و نامشروع است.

---

<sup>۱۴۴</sup> - این حدیث را ابوداود و نسائی روایت کرده اند.

## **مردی که در خرید و فروش، قبل از رسیدن به بازار معین، مردم را شکار کند**

متأسفانه اینگونه ملعون شده ها را نیز داریم که قبل از اینکه از نرخ بازار آگاه شوی، مال را در نصف را برایت می فروشند و نمی گذارند از مکان معینی با قیمت مناسب آن متاع را خرید کنی. و به زبان عامیانه ما برای آنها "ره شینک ها" می گوئیم.

ابن ماجه و حاکم از ابن عمر روایت کرده اند که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم گفت: «الجالب مرزوق، والمحتکر ملعون».

یعنی: «کسی که کالاها را بی بازار جلب می کند از روزی حلال بهره مند است و کسی که آنها را احتکار می کند و محتکر است، ملعون و از رحمت خداوند رانده شده است». جالب کسی است که کالاها را به بازار می آورد و با سود اندک آنها را می فروشد.

## **مردی که مال و متاعی را نگاه می دارد (ذخیره می کند) تا آنکه قیمت شود و سپس آنها بفروشد**

احمد و طبرانی از معقل بن یسار روایت کرده اند که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم گفت: «من دخل فی شیء من أسعار المسلمین لیغلیه علیهم کان حقاً علی الله تبارک و تعالی أن یقعده بعظم من النار یوم القیامة».



یعنی: «هرکس در قیمت گذاری و تعیین نرخ کالای مسلمین دخالت کند تا قیمت آنها را گران کند، شایسته است که الله او را در روز قیامت در آتش بزرگ بنشانند».

ابوداود و ترمذی و مسلم از معمر روایت کرده اند که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم گفت: «من احتکر فهو خاطئ».

یعنی: «هرکس احتکار کند او خطاکار است».

احمد و حاکم و ابن ابی شیبیه و بزار روایت کرده اند که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم گفت: «من احتکر الطعام أربعین ليلة فقد برئ من الله وبرئ الله منه».

یعنی: «هرکس مواد خوراکی را تا چهل شبانه روز، احتکار کند و آن را در اختیار مردم قرار ندهد، براسی او از الله بری است و الله از او بیزار است».

رزین در «جامع» خود گفته است، که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم گفت: «بئس العبد المحتکر: إن سمع برخص ساءه، وإن سمع بغلاء فرح».

یعنی: «بد بنده ای است، محتر بدکار که هرگاه ارزانی کالاها را که موجب رفاه مردم است بشنود او ناشاد است و هرگاه گرانی نرخ کالاها را بشنود که موجب ناخشنودی خلق است او شاد است».

## مردی که دیگران اذیت کند

هر نوع اذیتی که مسلمان از برادر مسلمانش متحمل شود، آن اذیت کننده مورد نفرین قرار می گیرد، چرا که پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم به مسلمانان گفته بود:

ملعون من ضار مسلماً أو غيره، ملعون! (۱۴۵).

یعنی: "کسی که به مسلمان یا غیر مسلمانی زیان رساند (و آنرا جبران نکند) از رحمت الله دور است، آری از رحمت الله دور است!"

## مردی که دیگران را به خنده می آورد

رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: «وَيَلُّ لِّلَّذِي يُحَدِّثُ فَيَكْذِبُ لِيُضْحِكَ بِهِ الْقَوْمَ وَيَلُّ لَهُ وَيَلُّ لَهُ».

یعنی: هلاک باد کسیکه برای خنداندن دیگران، سخنانی میگوید مرتگب دروغ نیز میشود؛ هلاک باد، هلاک باد.

وهمچنان رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: «ولا تكثرُوا الضحك فإنَّ كثرة الضحك تميت القلب» (۱۴۶).

یعنی: «در خندیدن زیاده روی نکنید چرا که زیاد خندیدن قلب را می میراند». در وصف خنده پیامبر صلی الله علیه وسلم گفته شده است: خنده پیامبر صلی الله علیه وسلم تنها تبسم بود (۱۴۷).

وامام نووی در «تهدیب السیره النبویه» گفته: هرگز از پیامبر صلی الله علیه وسلم خنده بلند (فقهه) شنیده نشده است.

۱۴۵ - الخراج، اثر قاضي ابویوسف، ص ۱۰۷.

۱۴۶ - [الصحيحه (۵۰۶)].

۱۴۷ - [صحيح الجامع (۴۸۶۱)].

و نیز رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: «والذی نفسی بیده لو تعلمون ما أعلم لضحکتکم قليلاً ولبکیتکم كثيراً»<sup>(۱۴۸)</sup>.

یعنی: «قسم به آن کسیکه نفس من در دست او است، اگر آنچه من می دانم، می دانستید، همیشه کم می خندید و زیاد گریه می کردید».

یکی از سلف گفته: "زیاد خندیدن قلب را می میراند".

امام حسن بصری رحمه الله فرمودند: «ضحک المؤمن غفلة من قلبه».

یعنی: «خنده ی (زیاد) مؤمن غفلتی از قلبش است»<sup>(۱۴۹)</sup>.

در کتاب "قصه های شیرین محمدی و سلف صالح" داستانی از خنده صلاح الدین آورده ام که: «زمانی که نزد سلطان صلاح الدین ایوبی لطیفه ای را تعریف کردند. همه خندیدند اما او نخندید؛ دوباره لطیفه را طور دیگری بیان کردند باز هم نخندید!! در جواب فرمود: می خواهید بخندم در حالی که قدس در دست صلیبیان است.

## مردی که مریض را لعنت میکند

شیخ ابن عثیمین رحمه الله می گوید: کسی که مریض و آنچه که از مصیبت به آن دچار شده را لعنت میکند (بداند این چیزها) از جمله کارهای الله عزوجل است و این (لعنت ها) پناه بر الله از بزرگترین زشتی هاست.

<sup>۱۴۸</sup> - [السلسله (۳۱۹۴)].

<sup>۱۴۹</sup> - (حلیة الاولیاء).

زیرا لعنت نمودن بر مریض ای که به آن دچار شده از تقدیر الله متعال است و به منزله دشنام دادن الله سبحانه و تعالی است. پس بر کسی که مانند این کلمات را می گوید: واجب است به سوی الله توبه کند.

## **مردیکه علیه امت پیامبر صلی الله علیه وسلم سلاح بکشد وظلم و فریب کاری کند**

ابوهریره رضی الله عنه میگوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَنْ حَمَلَ عَلَيْنَا السَّلَاحَ فَلَيْسَ مِنَّا، وَمَنْ عَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا»<sup>(۱۰۰)</sup>. یعنی: «هر کس، علیه ما اسلحه بردارد، از ما نیست همچنین کسیکه ما را فریب دهد، از ما نیست».

رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «هرگاه امت مرا دیدی که به ظالم نمی گوید «ای ستمگر» پس مستحق آن شده اند» یعنی مستحق ستم هستند<sup>(۱۰۱)</sup>.

## **مردی که در مدینه طیبه خراب کاری کند**

عن أنس - رضي الله عنه - عن النبي صلی الله علیه وسلم قال المدينة حرم من كذا إلى كذا لا يقطع شجرها ولا يحدث فيها حدث من أحدث حدثا فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين<sup>(۱۰۲)</sup>.

<sup>۱۰۰</sup> - [صحيح المسلم ۱۰۱].

<sup>۱۰۱</sup> - (مسند امام احمد (۱۱ / ۴۷)).

<sup>۱۰۲</sup> - [صحيح بخاری ۱۸۶۷].

## مردان لعنت شده!..... ۱۱۲

یعنی: «پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: حرم مدینه، از اینجا تا این جا است، نباید درختش قطع شود، و نباید در آن حادثه ای اتفاق بیفتد هر کس حادثه ای در آن ایجاد نماید، لعنت الله و فرشتگان و مردم بر وی باد».

منابع:

- ❖ أحاديث مختارة من موضوعات الجوزقاني وابن الجوزي تاليف شمس الدين الذهبي.
- ❖ أخبار مكة في قديم الدهر وحديثه تاليف: أبو عبد الله مُحَمَّد بن إسحاق بن العباس المكي الفاكهي (المتوفى : ۲۷۲هـ).
- ❖ إطراف المُسئِد المعْتَلِي بأطراف المسئِد الحنبلي المؤلف : أبو الفضل أحمد بن علي بن مُحَمَّد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى : ۸۵۲هـ).
- ❖ الآحاد والمثاني المؤلف : أحمد بن عمرو بن الضحاک أبو بكر الشيباني.
- ❖ الجامع في الحديث تأليف: عبد الله بن وهب بن مسلم القرشي أبو مُحَمَّد المصري سنة الولادة / سنة الوفاة ۱۹۷هـ.
- ❖ الجمع بين الصحيحين البخاري ومسلم تأليف: مُحَمَّد بن فتوح الحميدي.
- ❖ السنن الكبرى وفي ذيله الجوهر النقي المؤلف : أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي البيهقي.
- ❖ اللؤلؤ والمرجان فيما اتفق عليه الشيخان المؤلف : مُحَمَّد فؤاد عبد الباقي.
- ❖ المجالسة وجواهر العلم المؤلف : أبو بكر أحمد بن مروان الدينوري المالكي (المتوفى : ۳۳۳هـ).
- ❖ المعجم الأوسط المؤلف : أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني.
- ❖ المعجم الصغير المؤلف : سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني.
- ❖ المعجم الكبير المؤلف : سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني.
- ❖ المنتقى من السنن المسندة المؤلف : عبد الله بن علي بن الجارود أبو مُحَمَّد النيسابوري.
- ❖ موطأ الإمام مالك المؤلف : مالك بن أنس أبو عبد الله الأصبحي.
- ❖ تهذيب الآثار أبو جعفر مُحَمَّد بن جرير الطبري.
- ❖ جامع الأحاديث المؤلف : جلال الدين السيوطي.
- ❖ جامع الأصول في أحاديث الرسول المؤلف : مجد الدين أبو السعادات المبارك بن مُحَمَّد الجزري ابن الأثير (المتوفى : ۶۰۶هـ).

- ❖ جامع العلوم والحكم المؤلف : أبو الفرج عبد الرحمن بن أحمد بن رجب الحنبلي.
- ❖ رياض الصالحين المؤلف : النووي.
- ❖ سنن أبي داود المؤلف : أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني.
- ❖ سنن ابن ماجه المؤلف : مُحَمَّد بن يزيد أبو عبدالله القزويني.
- ❖ الجامع الصحيح سنن الترمذي المؤلف : مُحَمَّد بن عيسى أبو عيسى الترمذي السلمي.
- ❖ سنن الدارقطني المؤلف : علي بن عمر أبو الحسن الدارقطني البغدادي.
- ❖ سنن الدارمي المؤلف : عبدالله بن عبدالرحمن أبو مُحَمَّد الدارمي.
- ❖ سنن النسائي بشرح السيوطي وحاشية السندي المؤلف : أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائي.
- ❖ سنن سعيد بن منصور المؤلف : أبو عثمان سعيد بن منصور بن شعبة الخراساني الجوزجاني.
- ❖ شعب الإيمان المؤلف : أبو بكر أحمد بن الحسين البيهقي.
- ❖ صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان المؤلف : مُحَمَّد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي.
- ❖ صحيح ابن خزيمة المؤلف : مُحَمَّد بن إسحاق بن خزيمة أبو بكر السلمي النيسابوري.
- ❖ صحيح البخاري تليف: ابو عبدالله مُحَمَّد بن اسماعيل.
- ❖ صحيح مسلم تليف: ابو الحسين مسلم بن حجاج القشيري النيسابوري.
- ❖ كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال المؤلف : علاء الدين علي بن حسام الدين المتقي الهندي البرهان فوري (المتوفى ٩٧٥هـ).
- ❖ مسند أبي عوانة تليف: الإمام أبي عوانة يعقوب بن إسحاق الاسفرائني سنة الولادة / سنة الوفاة ٣١٦هـ.
- ❖ مسند أبي يعلى المؤلف : أحمد بن علي بن المثنى أبو يعلى الموصلي التميمي.
- ❖ مسند الإمام أحمد بن حنبل المؤلف : أحمد بن حنبل.
- ❖ مسند إسحاق بن راهويه المؤلف : إسحاق بن إبراهيم بن مخلد بن راهويه الحنظلي.

## مردان لعنت شده!..... ۱۲۰

- ❖ مسند ابن الجعد المؤلف : علي بن الجعد بن عبید أبو الحسن الجوهری البغدادي.
- ❖ مسند الحمیدی المؤلف : عبدالله بن الزبير أبو بكر الحمیدی.
- ❖ الجامع الصحيح ویا مسند الإمام الربیع بن حبيب الربیع بن حبيب بن عمر الأزدی البصري.
- ❖ مسند الشافعي المؤلف : مُحَمَّد بن إدريس أبو عبد الله الشافعي.پ
- ❖ مسند الشاميين المؤلف : سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني.
- ❖ مسند الشهاب المؤلف : مُحَمَّد بن سلامة بن جعفر أبو عبد الله القضاعي.
- ❖ مسند أبي داود الطيالسي — المشكول المؤلف : سليمان بن داود بن الجارود.
- ❖ المنتخب من مسند عبد بن حميد المؤلف : عبد بن حميد بن نصر أبو مُحَمَّد الكسي.
- ❖ مُصنّف ابن أبي شيبة المصنّف : أبو بكر عبد الله بن مُحَمَّد بن أبي شيبة العبسي الكوفي (۱۵۹. ۲۳۵هـ).
- ❖ مصنّف عبد الرزاق المؤلف : أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني.
- ❖ سنن أبي بكر الأثرم المؤلف : أبو بكر أحمد بن مُحَمَّد بن هانيء الأثرم.
- ❖ سنن ابن ماجة المؤلف : ابن ماجة أبو عبد الله مُحَمَّد بن يزيد القزويني.
- ❖ سنن النسائي المؤلف : أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن النسائي.
- ❖ مسند أبي هريرة رضي الله عنه المؤلف : أبو إسحاق إبراهيم بن حرب العسكري السمسار.
- ❖ مسند أحمد بن حنبل المؤلف : أبو عبد الله أحمد بن مُحَمَّد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني.
- ❖ مسند البزار ( المطبوع باسم البحر الزخار ) المؤلف : أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق البزار.
- ❖ مسند السراج . المؤلف : مُحَمَّد بن إسحاق بن إبراهيم السراج الثقفي النيسابوري.
- ❖ مشكاة المصابيح المؤلف : مُحَمَّد بن عبد الله الخطيب التبريزي.